



بررسی تأثیر نظام آموزش عالی بر نهاد خانواده با تأکید بر مقررات آموزشی و خدمات رفاهی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره مسلسل: ۱۹۲۸۵
کد موضوعی: ۲۷۰



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

تاریخ انتشار:
۱۴۰۲/۷/۴

عنوان گزارش:

بررسی تأثیر نظام آموزش عالی بر نهاد خانواده
با تأکید بر مقررات آموزشی و خدمات رفاهی

نام دفتر:

مطالعات فرهنگ و آموزش (گروه زنان و خانواده)

تهیه و تدوین کنندگان:

زهره حسنی سعدی، ریحانه رحمانی پور

ناظر علمی:

موسی بیات

اظهار نظر کنندگان:

حسین نصیری، هادی یوسفی

گرافیک و صفحه آرایی:

سیده فاطمه ابوطالبی

ویراستار ادبی:

شیوا امین اسکندری

واژه‌های کلیدی:

۱. دانشجویان متأهل

۲. آموزش عالی

۳. خدمات رفاهی ویژه متأهلان

۴. خانواده‌محوری

۵. قوانین آموزشی



فهرست مطالب

۶	چکیده
۷	خلاصه مدیریتی
۹	۱. مقدمه و بیان مسئله
۱۲	۲. مقررات آموزشی
۱۳	ارزیابی مقررات آموزش عالی از حیث خانواده محوری
۱۸	عدم انعطاف پذیری
۱۹	عدم توجه به هر دو والد
۱۹	ایجاد زمینه بر خورد سلیقه‌ای مسئولین دانشگاه با شرایط تاهل و فرزندآوری دانشجویان
۱۹	تعارض ارزش‌ها (نادیده انگاری ارزش نقش خانوادگی)
۲۰	یکسان نگری بین افراد مجرد و متأهل
۲۱	۳. خدمات رفاهی
۲۲	وضعیت خدمات رفاهی دانشجویی ویژه متأهلین
۲۲	خوابگاه‌های متأهلی
۲۳	وام‌های ویژه متأهلین
۲۳	خدمات نگهداری کودک
۲۳	چالش‌های اجرای خدمات رفاهی دانشجویان متأهل
۲۳	تکثر و تعدد اهداف و مقاصد سیاستی
۲۲	عدم اولویت بندی در ارائه خدمات رفاهی
۲۴	عدم توجه به زیست بوم منحصر به فرد هر دانشگاه
۲۴	اولویت نداشتن خدمات رفاهی ویژه متأهلین در دانشگاه‌ها
۲۵	چالش فرایندهای مالی در دانشگاه‌ها
۲۵	ضعف برنامه ریزی بودجه
۲۵	۴. جمع بندی و پیشنهادات سیاستی
۲۶	پیشنهادات سیاستی
۲۷	منابع و مأخذ

فهرست جداول

۱۵	جدول ۱. مواد آیین نامه آموزشی دوران کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری
۲۱	جدول ۲. قوانین خدمات رفاهی ویژه دانشجویان متأهل



بررسی تأثیر نظام آموزش عالی بر نهاد خانواده با تأکید بر مقررات آموزشی و خدمات رفاهی

چکیده



یکسان‌انگاری افراد مجرد و متأهل و برخورد سلیقه‌ای مسئولان دانشگاه با شرایط تأهل و فرزندآوری دانشجویان در آن دیده می‌شود. یکی از این تعارض‌ها در آیین‌نامه استخدامی اعضای هیئت علمی است که امکان اشتغال نیمه‌حضور را برای افراد دارای مسئولیت سیاسی فراهم می‌کند، در مقابل اعضای هیئت علمی مادر نمی‌توانند از این امتیاز استفاده کنند. این نادیده‌انگاری ارزش نقش خانوادگی و تعارض ارزشی که در اینجا وجود دارد، برخلاف شاخص‌های خانواده‌محوری است. بررسی چالش‌های اجرای خدمات رفاهی ویژه متأهلان نیز نشان داد که تکثر و تعدد مقاصد سیاستی، عدم اولویت‌بندی خدمات رفاهی، عدم توجه به زیست‌بوم منحصربه‌فرد دانشگاه‌ها، اولویت نداشتن خدمات رفاهی متأهلان در دانشگاه‌ها، چالش فرایندهای مالی در دانشگاه‌ها و محدودیت بودجه از دلایل اجرا نشدن قوانین مربوط به خدمات رفاهی متأهلان هستند. بنابراین با توجه به چالش‌های احصا شده در دو بخش مورد نظر، پیشنهادهای سیاستی همچون؛ تخصیص مرخصی والد شدن برای دانشجویان و اعضای هیئت علمی که پدر می‌شوند، افزایش واحدهای ترم‌های تابستانی و تخفیف در شهریه دانشگاه دانشجویانی که متأهل و یا بچه‌دار می‌شوند، برای گسترش رویکردهای خانواده‌محور در قواعد آموزشی و رفع چالش‌های اجرای خدمات رفاهی ارائه شده است.

روابط و تأثیرات متقابلی که نهادهای اجتماعی بر یکدیگر می‌گذارند، همواره مورد بحث و بررسی اندیشمندان اجتماعی قرار می‌گیرد. یکی از این نهادهای نظام آموزش عالی است. این نظام تأثیرات را بر نهاد خانواده می‌گذارد و اثرگذاری آن به‌ویژه با بررسی شاخص‌های ازدواج و فرزندآوری در بین دانشگاهیان، اهمیت می‌یابد. به طوری که فرزندآوری و ازدواج در میان دانشجویان (به خصوص دوره کارشناسی) بسیار کم‌رنگ است. پژوهش حاضر با تمرکز بر دانشجویان به عنوان مخاطبان اصلی نظام آموزش عالی، در دو بخش بررسی آیین‌نامه‌های دوره‌های مختلف تحصیلی ذیل وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و آیین‌نامه استخدامی اعضای هیئت علمی با توجه به شاخص‌های قوانین خانواده‌محور و بررسی خدمات رفاهی دانشجویان متأهل به بررسی تأثیر نظام آموزش بر نهاد خانواده پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد شاخص‌های خانواده‌محوری که در اسناد بالادستی از جمله سیاست‌های کلی خانواده مورد تأکید قرار گرفته، منجر به بازنگری و به‌روزرسانی آیین‌نامه‌های داخلی این وزارتخانه نشده یا در اجرای آنها چندان مورد توجه نبوده است به طوری که انعطاف‌پذیری و توجه به هر دو والد به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه قوانین خانواده‌محور در این آیین‌نامه‌ها وجود ندارد. همچنین مؤلفه‌های نامطلوبی چون



■ بیان مسئله

خانواده به عنوان مبنایی ترین نهاد جامعه، از دیگر نظامات اجتماعی تأثیر می پذیرد. یکی از این نهادها که رشد چشمگیری در سال های اخیر داشته، نظام آموزش عالی است. با توجه به آمارهای موجود رخدادهای ازدواج در خصوص افرادی که به دانشگاه رفته اند نسبت به افرادی که وارد نظام آموزش عالی نشده اند، فرض تأثیر نظام آموزش عالی بر نهاد خانواده تقویت می شود. به طوری که مطابق سالنامه آماری سال ۱۳۹۹، کل جمعیت هرگز ازدواج نکرده زنان در گروه سنی ۲۴-۲۰ سال حدود یک میلیون و سیصد و هفتاد هزار نفر و جمعیت مردان هرگز ازدواج نکرده در بازه سنی ۲۹-۲۵ نیز حدود یک میلیون و نهصد هزار نفر برآورد می شود. [۱] همچنین طبق سالنامه آمارهای جمعیتی سازمان ثبت احوال^۱ در سال ۱۳۹۹ میانگین سنی ازدواج زنان در کشور ۲۳/۴ سال است. براساس این میانگین سنی، گزارش طرح نیروی کار مرکز آمار نشان می دهد که ۷۳ درصد زنانی که در این سن هستند و وارد نظام تحصیلات دانشگاهی شده اند، هرگز ازدواج نکرده اند. در مقابل تنها ۲۹ درصد از زنان ۲۳ ساله کشور که دانشگاه نرفته، مجرد مانده اند.

درصد مجرد بالای افراد تحصیل کرده نسبت به افرادی که وارد نظام آموزش عالی نشده اند، در بین مردان نیز وجود دارد. براساس میانگین سن ازدواج مردان در کشور که ۲۷/۶ سال است، ۷۰ درصد مردان ۲۷ ساله ای که دانشگاه رفته اند ازدواج نکرده اند و در مقابل تنها ۴۹ درصد مردانی که وارد دانشگاه نشده، مجرد هستند. البته با توجه به ذوابعدی بودن مسائل ازدواج و فرزندآوری لزوماً نمی توان نظام آموزش عالی را به عنوان مانع و متغیر اولیه در به تأخیر انداختن ازدواج و فرزندآوری دانست. اما با توجه به جامعه مخاطب حداکثری در سن ازدواج این نهاد، ایجاد و تقویت فرصت ها در جهت کمک به تشکیل و استحکام خانواده و استفاده از ظرفیت های آموزشی و رفاهی آن می تواند به تقویت نهاد خانواده نیز کمک کند و عملکرد دو نهاد آموزشی و تربیتی خانواده و آموزش عالی در یک راستا قرار گیرند.

در همین راستا پژوهش حاضر به جهت اهمیت مسئله ازدواج و فرزندآوری در کشور به بررسی آثار نهاد آموزش عالی بر این دو مؤلفه تأکید دارد. به دلیل گستردگی نظام آموزش عالی در کشور، این گزارش تنها بر وزارت علوم در دو بخش مقررات آموزشی و خدمات رفاهی تمرکز کرده است.

■ یافته های کلیدی

در خصوص مقررات آموزشی، آیین نامه سه مقطع کارشناسی، کارشناسی

ارشد و دکتری مورد بررسی قرار گرفته است. رویکردی که بر این مقررات حاکم است می تواند بر معنای صادر شده از ساختار دانشگاه ها اثر گذار باشد. در صورت وجود رویکرد خانواده محور، نقش خانوادگی دانشجوی به رسمیت شناخته می شود و برعکس با نادیده گرفتن نقش خانوادگی دانشجویان، موجبات تعارض بین نقش خانوادگی و دانشجویی فراهم می گردد.

به همین جهت این مقررات با شاخص های قوانین خانواده محور مورد تحلیل قرار گرفته اند. همچنین به دلیل اهمیت نوع تعامل اساتید با دانشجویان، در مسائل آموزشی آیین نامه استخدامی اعضای هیئت علمی نیز براساس این شاخص ها مورد بررسی اجمالی قرار گرفته است. در واقع به رسمیت شمرده شدن نقش خانوادگی اعضای هیئت علمی، در فرایند جذب و ارتقای آنان می تواند، در نحوه تعامل با دانشجویان متأهل تأثیر گذارد.

براساس این بررسی ها می توان گفت، برخی مقررات مرتبط از انعطاف پذیری کمی برخوردارند. انعطاف پذیری آموزشی به افراد اجازه می دهد استقلال و کنترل بیشتری بر وقت خود داشته باشند. به همین جهت می توانند به طور بهتری، بین نقش خانوادگی و اجتماعی خود تعادل برقرار کنند. با این حال شیوه ارزیابی کتبی در پایان ترم، الزام حضور فیزیکی در کلاس ها و بازه زمانی ثبت نمرات از مواردی هستند که انعطاف پذیری آموزشی را در مقررات آموزشی کاهش می دهند. در آیین نامه استخدامی اعضای هیئت علمی نیز در مورد شیوه اشتغال نیمه وقت محدودیت هایی مانند عدم احتساب کسور بازنشستگی و الزام موافقت رئیس دانشگاه با این شیوه حضور، باعث شده تا انعطاف این نوع خدمت را نیز با مشکل مواجه سازد.

علاوه بر این، باید اشاره داشت که قوانین خانواده محور باید به هر دو والد توجه کند. اما در آیین نامه های موجود تنها برای مادران مزایای مرخصی زایمان و کاهش ساعات کاری در نظر گرفته شده است. هر چند مادران به دلیل شرایط بارداری و زایمان، مستحق دریافت مرخصی بیشتری نسبت به پدران هستند اما باید توجه شود که عدم توجه به نقش خانوادگی پدر و تمرکز بیش از حد بر مادر می تواند نتایج منفی در برداشته باشد. به طوری که این تمرکز یک سویه باعث ایجاد فشار مسئولیت بیش از حد به مادر می شود و عدم توجه به نقش پدر در خانواده، مشارکت مرد در امور خانواده را کم رنگ می سازد.

همچنین در مقررات، وجود رویکرد سلیقه ای مسئولان دانشگاه با شرایط تأهل و فرزندآوری دانشجویان مشهود است. هر چند واگذاری بسیاری از تصمیمات آموزشی مانند بازه ثبت نمرات، تعیین زمان حذف و اضافه و مرخصی تحصیلی به گروه آموزشی، موجب به رسمیت شناختن استقلال

۱. سالنامه آمارهای جمعیتی سال ۱۳۹۹. دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرتی سازمان ثبت احوال کشور.

۲. پایین بودن اولویت خدمات رفاهی در میان مسئولان دانشگاه:

با وجود محدودیت ایجاد شده در مصرف منابع مالی به جهت افزایش نرخ تورم و افزایش چندبرابری حقوق کارکنان و اعضای هیئت علمی، اولویت پایین خدمات رفاهی و غلبه افراد مجرد به عنوان خدمت گیرندگان نظام آموزش عالی نسبت به افراد متأهل، تکالیف وزارخانه در قبال افراد متأهل در اولویت پایین تری قرار گرفته است.

۳. چالش فرایندهای مالی در دانشگاه‌ها: بودجه سالیانه هر دانشگاه به معاونت مالی داده می‌شود. مهم‌ترین مشکل این مسئله، به وجود آمدن روندهای اداری و معمولاً زمان گیر برای دریافت بودجه است. از سویی به دلیل نبود نظام اولویت گذاری و عدم ممنوعیت هزینه کرد منابع هر بخش در بخش دیگر و کمبود بودجه وزارخانه در امور جاری، احتمال هزینه کردن منابع تخصیص یافته در حوزه‌های دیگر وجود دارد. به عبارتی کمبود بودجه در کنار عدم اولویت گذاری در تکالیف قانونی، کارآمدی وزارخانه در تحقق تکالیف خانواده محور را کاهش می‌دهد.

■ پیشنهاد راهکار تقنینی، نظارتی یا سیاستی

در نهایت با توجه به نکاتی که در دو بخش بررسی مقررات آموزشی و خدمات رفاهی احصا شد، پیشنهادهای سیاستی برای حل آن ارائه شده است. برخی از این پیشنهادهای عبارتند از:

- در نظر گرفتن مرخصی والد شدن برای دانشجویان مرد و اعضای هیئت علمی که پدر می‌شوند،
- گسترش شیوه‌های آموزش ترکیبی با فراهم کردن زیرساخت‌های آموزش مجازی به خصوص در درس عمومی و تئوری با اولویت دانشجویانی (دختر و پسر) که متأهل یا دارای فرزند هستند،
- گسترش ارائه واحدهای تابستانی در راستای منعطف کردن زمان دانشجویان.
- کاهش سنوات تحصیل برای عموم دانشجویان در راستای کاهش سن ورود به شغل
- افزایش امکان تمدید سنوات برای دانشجویان متأهل
- نظارت بر اجرای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، اجرایی سازی سیاست‌های کلی خانواده و دیگر قوانین این حوزه از سوی دفاتر حمایت از خانواده در دانشگاه‌ها

دانشگاه‌ها می‌شود؛ اما نبود رویکرد خانواده محور در آیین نامه احتمال نادیده انگاری نقش خانوادگی دانشجو در تصمیمات گروه آموزشی دانشگاه‌ها و برخورد سلیقه‌ای اساتید را افزایش می‌دهد.

گفتنی است در آیین نامه جذب هیئت علمی نیز تعارض ارزش‌ها (نادیده گرفتن نقش خانوادگی) مشهود است. به طوری که برای اعضای که در پست‌های سیاسی و مدیریتی مشغول هستند، امتیازاتی همچون اختصاص شیوه نیمه وقت با مزایای مرخصی گرفتن اعضای تمام وقت در نظر گرفته شده است. اما مادرائی که از شیوه نیمه وقت استفاده می‌کنند از این مزایا محروم هستند. لذا توجه یکسویه به توازن نقش‌های اجتماعی در جایگاه‌های مدیریتی و سیاسی و کم توجهی به نقش‌های خانوادگی، ارزشمندی این نقش‌ها را نزد عموم مردم و مخاطبان مقررات مذکور زیر سؤال می‌برد. این مسئله می‌تواند بر نگاه اساتید نسبت به جایگاه و اهمیت نقش خانوادگی دانشجویان نیز تأثیر گذارد.

مورد دیگر در قوانین یکسان انگاری بین افراد مجرد و متأهل است. هر چند افراد مجرد نیز وظایف خانوادگی دارند اما این وظایف برای افراد متأهل بیشتر است و تناسبی بین نقش‌های خانوادگی و اجتماعی افراد متأهل و افراد مجرد وجود ندارد.

همچنین در بخش دوم نیز باید به چالش‌های اجرای خدمات رفاهی ویژه متأهلان اشاره کرد. براساس گفتگوهایی که با متولیان اجرای این خدمات در دانشگاه‌های تهران انجام پذیرفت، چند چالش جدی احصا شد:

۱. تعدد اهداف و مقاصد سیاستی و عدم اولویت گذاری در ارائه

خدمات رفاهی: با توجه به ظرفیت قابل توجه دانشگاه‌ها در امکان ایجاد تحول در تشکیل و استحکام خانواده، حجم انتظارات از این نهاد آموزشی نیز بالا بوده، به طوری که در قوانین مربوطه افزایش وام ودیعه مسکن، تأسیس خوابگاه متأهلی و ایجاد مراکز نگهداری کودک به طور هم‌زمان به دستگاه‌ها تکلیف شده است. در این شرایط به دلیل محدود بودن منابع و بودجه، دستگاه‌ها به اجرای هم‌زمان این موارد قادر نیستند. برای نمونه در ارائه خدماتی مانند وام ودیعه مسکن نیز اولویت بندی وجود ندارد. ماده (۲۲) **قانون جوانی جمعیت**، در این زمینه قیدی نگذاشته و همه دانشجویان را برای ارائه وام در نظر گرفته است اما باید بررسی کرد که با توجه به محدودیت منابع مالی، امکان ارائه وام ودیعه مسکن با مبلغی که قانون در نظر گرفته برای همه دانشجویان اعم از دولتی، شبانه و آزاد قابل اجراست یا خیر؟

۱. مقدمه و بیان مسئله

خانواده یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین نهادهای جامعه ایرانی است. این نهاد کارکردهای گوناگونی همچون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد. یکی از کارکردهای فرهنگی آن، جامعه‌پذیر کردن افراد است. در جوامع سنتی بخش عمده این فرایند در خانواده محقق می‌شد. با تغییرات اجتماعی و تحولاتی که در پی آن تقسیم کار اجتماعی رخ داد، نهادهای متعددی در جامعه تأسیس شد. این نهادها در بخش‌هایی از وظایف خانواده شریک شدند و کارکردهای آن را تقبل کردند. در جامعه ایران نیز آموزش و پرورش و آموزش عالی به‌عنوان دو نهاد مهم تربیتی در کنار خانواده، فرایند جامعه‌پذیری افراد را بر عهده دارند. این دو نهاد در دو بعد تربیت و آموزش دانش و مهارت، تأثیر زیادی بر افراد می‌گذارند. به‌خصوص آنکه مهارت و دانش، آنان را برای ورود به زندگی اجتماعی و شغل آماده می‌کند. علاوه بر این، آموزش عالی و آموزش و پرورش بر نهاد خانواده نیز تأثیر می‌گذارند. به‌طوری‌که ویژگی‌های شخصی که هر فرد در خانواده کسب کرده است بر استعدادها و اهداف آموزشی او تأثیر دارد. همچنین نهادهای آموزشی با ارائه محتوا و نوع ساختارهای خود زندگی خانوادگی هر فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این آثار می‌تواند در جنبه‌های مختلفی مانند رفتار و مهارت‌های زندگی، مسئولیت‌پذیری، ترغیب یا تشویق به پذیرش نقش خانوادگی یا ایجاد مانع در برابر پذیرش این نقش‌ها باشد.

این تأثیرات به‌خصوص در نظام آموزش عالی، پررنگ‌تر می‌شود. آموزش عالی یکی از نهادهای مهم نظام آموزشی هر کشور است که وظیفه آن تربیت نیروی متخصص در زمینه‌های مختلف، پژوهش و ارائه خدمات تخصصی در حوزه‌های متنوع علم و فناوری به جامعه است [۲]. بنابر تعریف ارائه شده وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت و درمان و آموزش پزشکی دو متولی اصلی آموزش عالی در کشور هستند. به دلیل گستردگی ساختار و قوانین مؤسسه‌های ذیل این وزارتخانه‌ها، پژوهش حاضر بر مؤسسه‌ها و مقررات ذیل وزارت علوم تمرکز دارد. البته باید به این نکته توجه داشت که هر کدام از شرایط چگونگی جذب، پذیرش، برنامه ریزی تحصیلی و انواع خدمات رفاهی دانشگاه بر ابعاد زندگی افراد از قبیل تشکیل خانواده، فرزندآوری، استحکام خانواده و ... اثر گذار است. اما در گزارش پیش رو اثرگذاری برنامه ریزی آموزشی و خدمات رفاهی دانشگاه بر دو مقوله ازدواج و فرزندآوری مورد بررسی قرار می‌گیرند.

بر اساس تعریف نظام آموزش عالی، در ایران، حدوداً از سن ۱۸ تا ۲۸ سالگی جوانان در دانشگاه مشغول تحصیل و تحقیق هستند. این برهه زمانی است که جوانان در سن ازدواج و فرزندآوری قرار می‌گیرند. به همین دلیل تأثیر دانشگاه بر دو شاخص مهم نهاد خانواده؛ یعنی ازدواج و فرزندآوری محل بحث و بررسی است.

برخی از اندیشمندان در مورد به تاخیر افتادن ازدواج، از مفهوم «نااطمینانی» استفاده می‌کنند. از نظر آنها این نااطمینانی موجب به تعویق انداختن ازدواج می‌شود؛ بنابراین شناخت عوامل نااطمینانی از ملاک‌های مورد توجه در مقوله ازدواج در اولویت قرار می‌گیرد. [۳] نااطمینانی به وضعیتی اطلاق می‌گردد که فرد از تحقق ملاک‌هایی که برای شروع و ادامه زندگی در نظر دارد مطمئن نیست. عدم اطمینان را می‌توان از دو منظر مورد بررسی قرار داد. در حالت اول تمایل جامعه به کمال‌گرایی و تحقق شرایط مطلوب در زمان ازدواج قابل طرح است. به گونه‌ای که سطح توقعات فرد بالا بوده و ملاک‌های شروع زندگی از قبیل شرایط زیستی خود و ملاک‌های انتخاب همسر را حداکثری می‌بیند و از این جهت نااطمینانی از تحقق این ملاک‌ها افزایش پیدا می‌کند. در حالت دوم شرایط نابسامان اجتماعی - اقتصادی منجر به عدم اطمینان از تحقق ملاک‌های شروع زندگی می‌گردد. به عنوان نمونه عدم اطمینان از تأمین هزینه‌های زندگی و یا عدم اطمینان از تشکیل زندگی مستحکم منجر به تشکیک در اصل ازدواج و در نهایت افزایش سن ازدواج می‌گردد. «به گونه‌ای که افراد زمانی که در شرایط نامنی اقتصادی و عدم قطعیت بالا قرار دارند از ریسک‌های غیر ضروری در زندگی اجتناب می‌کنند و در شرایطی که بازار به شدت رقابتی است و موقعیت‌های شغلی ثبات کافی را ندارند، ریسک ازدواج و تشکیل خانواده افزایش می‌یابد.» [۴] با این رویکرد، دوران دانشجویی، با توجه به اقتضائات خاص خود از قبیل بالابودن آمار ازدواج‌های موفق و همچنین پایین بودن سطح توقعات در این دوران و علاوه بر آن امکان ارائه خدمات رفاهی از سوی دانشگاه به دانشجویان متأهل می‌تواند تا حد قابل قبولی این نااطمینانی را کاهش دهد. به عبارتی به لحاظ ذهنی همراهی با ازدواج دانشجویی از جهت بالا بودن استحکام خانواده‌های دانشجویی وجود دارد، اما در خصوص رفع نااطمینانی اقتصادی، حمایت از دانشجویان متأهل در راستای افزایش توانمندی اقتصادی می‌تواند در تصمیم جوانان برای شروع زندگی در دوران دانشجویی، تعیین‌کننده باشد.

تبیین دیگری، سه متغیر «دسترسی»، «امکان» و «تمایل» را به عنوان تعدیل‌کننده اثرات ساختار اجتماعی بر الگوهای ازدواج بیان

می‌کند. به گونه‌ای که «دسترسی» به وسیله توازن نسبت سنی - جنسی افراد در سن ازدواج و روش‌های انتخاب همسر (تنظیم شده یا انتخاب آزاد) تعیین می‌شود و جایی که عدم توازن در این نسبت وجود داشته باشد، ازدواج‌ها به تأخیر می‌افتد. متغیر «امکان» مربوط به شرایط اقتصادی و اجتماعی فرد است و در مناطق شهری که تکیه بیشتری بر توانایی فردی برای اداره امور زندگی می‌شود، ازدواج با تأخیر بیشتری صورت می‌گیرد. متغیر «تمایل» در رابطه با فشار اجتماعی و از طریق تشویق و مجازات اجتماعی در فرد پررنگ می‌شود. به گونه‌ای که شاخص‌هایی از قبیل عشق و عاطفه، حمایت اقتصادی، حفظ اصل و نسب و احساس خوشی در سالخوردگی در تقویت این تمایل و مواردی از قبیل انزوای اجتماعی، ننگ بی‌فرزندی یا مجرد قطعی در یک سن مشخص نیز به عنوان مجازات اجتماعی بر این شاخص تأثیر دارند و چنانچه پاداش مجرد در یک سن معین، بیشتر از مجازات اجتماعی آن باشد، ازدواج با تأخیر صورت خواهد گرفت. [۳] بر اساس این نظریه در محیط دانشگاه، متغیر دسترسی تا حد قابل قبولی به عنوان متغیر همراه می‌باشد، اما در مورد متغیر امکان، شرایط رفاهی دانشجویان حائز اهمیت است. به عبارتی شرایط باید به گونه‌ای فراهم شود تا «امکان» ازدواج و فرزندآوری برای جوان مهیا گردد. متغیر سوم که به صورت مشخص نگرش‌های ذهنی فرد را تحت الشعاع قرار می‌دهد حاصل فشار اجتماعی محیط دانشگاه با مجموعه همه عوامل از قبیل، قواعد آموزشی، رویکرد اساتید، فضای حاکم بر دانشگاه و ... است. به عبارتی این سوال مطرح می‌شود که آیا فضای حاکم بر دانشگاه‌های ما، برای افراد مجرد و یا بدون فرزند، فشار اجتماعی ایجاد می‌کنند و فرد احساس می‌کند که در صورت مجرد و نداشتن فرزند به لحاظ ذهنی مورد تنبیه اجتماعی قرار می‌گیرد؟

لذا علاوه بر اهمیت محتوای آموزش، دانشگاه از جهت ساختاری نیز می‌تواند بر این دو شاخص تأثیر گذارد. به صورتی که پذیرش نقش خانوادگی اعم از همسری و والد شدن، به زمان و وقت نیاز دارد. علاوه بر این به جهت اهمیت خانواده، نهادهای اجتماعی هر جامعه نیز باید نقش خانوادگی افراد را به رسمیت بشمارند و بر این اساس ساختارها و قوانین خود را تنظیم کنند.

در همین راستا ضروری است که تأثیر ساختار و مقررات دانشگاه بر ازدواج و فرزندآوری مورد بررسی قرار گیرد.^۱

همچنین در شرایطی که نرخ باروری کل کشور در سال ۱۴۰۰ به ۱/۷۱ و زیر سطح جانشینی (۲/۱) رسیده و به گفته جمعیت‌شناسان امکان بروز بحران سالمندی جمعیت در ایران وجود دارد [۵]، این بررسی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. به خصوص آنکه از حدود ۱۳ میلیون جوان مجرد در کشور دو و نیم میلیون از آنان (حدود ۲۰ درصد) در حال تحصیل هستند.

یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در کارآمدی دانشگاه، مقررات آموزشی است. این مقررات در قالب آیین‌نامه آموزشی توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای چهار مقطع کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تدوین می‌شود. این مقررات با ساختار و الزاماتی که برای دانشجویان به همراه می‌آورند می‌توانند نقش مؤثری بر تصمیم و رفتار دانشجویان در بعد ازدواج و فرزندآوری داشته باشند به طوری که می‌توانند ایفای مسئولیت‌های نقش خانوادگی اعم از اقتصادی، اجتماعی و روانی را برای دانشجویان به رسمیت بشمارند و به تسهیل شرایط بپردازند یا برعکس با نادیده گرفتن نقش خانوادگی دانشجویان، شرایط را برای ازدواج و فرزندآوری دشوار کنند. همچنین آیین‌نامه استخدامی اعضای هیئت علمی نیز از جمله مقرراتی است که بر عملکرد نظام آموزش عالی تأثیرگذار است. از سوی دیگر بر نحوه تعامل اعضای هیئت علمی با دانشجویان نیز مؤثر است.

علاوه بر مقررات آموزشی، نظام دانشگاهی در کشور خدمات رفاهی را برای دانشجویان فراهم می‌کند. برخی از این خدمات در جهت حمایت از دانشجویان متأهل و دارای فرزند است. در این زمینه، قوانین بسیاری همچون مواد (۲۲) و (۷) قانون جوانی جمعیت و حمایت از خانواده، وجود دارد که دانشگاه‌ها را ملزم به ارائه خدمات رفاهی کرده است. این خدمات نیز می‌توانند بر رفتار دانشجویان در زمینه فرزندآوری و تأهل مؤثر باشند. با این وجود، چالش‌های اساسی بر سر راه اجرای این قوانین وجود دارد.

از این رو پژوهش حاضر در صدد است در وهله اول مقررات آموزشی دانشگاه‌ها را از جهت تأثیر (خانواده‌محور بودن قوانین آموزشی) بر دو شاخص فرزندآوری و ازدواج مورد بررسی قرار دهد. در وهله دوم نیز خدمات رفاهی دانشجویی را از جهت حسن اجرای سیاست بررسی کند.

وضعیت آماری موجود

آمار و شاخص‌های فرزندآوری و تأهل دانشجویان می‌توانند تصویر کلی از وضعیت تأثیر نهاد آموزش عالی بر خانواده ارائه دهد. طبق آخرین آمار مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی [۶] در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ حدود سه میلیون و صد و هشتاد هزار دانشجو در کل کشور وجود دارد. از این آمار حدود ۶۲۰ هزار دانشجو متأهل هستند.^۲ به عبارتی حدود ۲۰ درصد دانشجویان کشور را

۱. آموزش عالی شامل کارمندان، دانشجویان و اعضای هیئت علمی می‌شود که در این گزارش تمرکز بر گروه دانشجویان بوده و اعضای هیئت علمی از نظر اثرگذاری بر دانشجویان مورد بررسی قرار گرفته است.

2. <https://atna.atu.ac.ir/001HGX>

متأهلان تشکیل می‌دهند. همچنین از کل دانشجویان متأهل حدود ۳۵۰ هزار نفر آنان، ذیل مؤسسه‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری قرار می‌گیرند.

همچنین براساس گزارش سبک زندگی دانشجویان ایسپا [۷]، حدود ۷۹ درصد دانشجویان پاسخگو مجرد و ۱۹ درصد متأهل بودند. دیگر شاخص مورد توجه این گزارش درصد اشتغال دانشجویان است. طبق نتایج، ۶۳ درصد دانشجویان اظهار کرده‌اند که حین تحصیل مشغول به انجام هیچ شغلی نیستند. همچنین حدود ۲۵ درصد دارای شغل پاره‌وقت و ۷/۵ درصد دارای شغل تمام‌وقت هستند.

گزارش طرح نیروی کار مرکز آمار ایران [۸] نیز داده و شاخص‌های قابل توجهی از وضعیت تأهل و مجرد دانشجویان ارائه می‌کند. مقایسه زنان و مردان متأهل و مجرد دانشگاه رفته و نرفته در یک بازه سنی در این گزارش، گویند «دانشگاه سن تأهل افراد را افزایش می‌دهد» را تقویت می‌کند. طبق آمار سالنامه آمارهای جمعیتی سازمان ثبت احوال [۹] در سال ۱۳۹۹ میانگین سنی ازدواج زنان در کشور ۲۳/۴ سال است. براساس این میانگین سنی، آمار نشان می‌دهد که ۷۳ درصد زنانی که در این سن هستند و وارد تحصیلات دانشگاهی شده‌اند، هرگز ازدواج نکرده‌اند. در مقابل تنها ۲۹ درصد از زنان ۲۳ ساله کشور که دانشگاه نرفته، مجرد مانده‌اند.

این درصد مجرد بالای افراد تحصیل کرده در بین مردان نیز وجود دارد. براساس میانگین سن ازدواج مردان در کشور که ۲۷/۶ سال است، ۷۰ درصد مردان ۲۷ ساله‌ای که دانشگاه رفته‌اند، ازدواج نکرده‌اند و در مقابل تنها ۴۹ درصد مردانی که وارد دانشگاه نشده، مجرد هستند. همچنین مجرد در افرادی که به تحصیلات دانشگاهی در مقاطع بالاتر ادامه داده‌اند نیز بیشتر از افرادی است که از یک مقطع فارغ‌التحصیل شده‌اند و ادامه تحصیل نداده‌اند [۱۰]. در واقع می‌توان گفت فرض افزایش احتمال ازدواج با افزایش مقاطع تحصیلات تکمیلی نادرست است.

همچنین آمارهای ازدواج دانشجویی نهاد رهبری^۱ در دانشگاه‌ها نیز قابل توجه است. مقایسه آمار ازدواج دانشجویی طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۱ نشان می‌دهد که در کل، سن ازدواج دختران دانشجو ۲۲،۲۸ سال و پسران ۲۵،۰۷ سال بوده است. از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۸ روند سن ازدواج دانشجویی نزولی و از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۱ سن ازدواج روندی صعودی به خود گرفته است. همچنین در سال ۱۳۹۱ بیشترین تعداد ازدواج دانشجویی ۶۱۴۰۰ نفر ثبت شده و در سال بعد این آمار تقریباً نصف شده و به ۳۸۵۰۱ نفر رسیده است. در حالی که تعداد دانشجویان در سال ۱۳۹۲ نسبت به سال ۱۳۹۱ افزایش داشته است. این کاهش ازدواج دانشجویی در سال‌های بعد هم مشهود است و در سال ۱۳۹۷ قبل از شیوع کرونا به ۱۹۳۰۰ نفر می‌رسد. بنابراین در دهه ۱۳۹۰ ازدواج‌های دانشجویی کاهش چشمگیری داشته‌اند که البته این آمار با روند کلی ازدواج در جامعه همخوانی دارد و بخشی از آن به کوچک شدن جامعه در سن ازدواج مربوط می‌شود. از سوی دیگر با توجه به آمار ازدواج دانشجویی و مقایسه آن با دانشجویان متأهل می‌توان گفت بخش چشمگیری از دانشجویان با افراد خارج از دانشگاه ازدواج می‌کنند و به رغم مطلوبیت ازدواج دانشجویی با توجه به آمار پایداری حدود ۹۴ درصد ازدواج‌های دانشجویی^۲ این موضوع یک فرصت است برای کاهش جامعه افراد هرگز ازدواج نکرده. به گونه‌ای که رفع موانع و تسهیل ازدواج دانشجویان به پوشش بخش قابل توجهی از افراد هرگز ازدواج نکرده در کل جامعه منجر خواهد شد. بنابراین استفاده از ظرفیت نظام آموزش عالی در فراهم آوردن شرایط ازدواج آسان در دوران دانشجویی و رفع موانع اولیه آن راهبرد مهم و اثرگذاری در حل مسئله ازدواج جوانان است. به گونه‌ای که اگر فقط ۵۰ درصد از جمعیت حدود ۲/۵ میلیون دانشجوی مجرد با افراد خارج از دانشگاه ازدواج کنند، حدود ۲/۵ میلیون نفر از افراد هرگز ازدواج نکرده (معادل یک چهارم از این جامعه افراد) تشکیل خانواده می‌دهند.

علاوه بر آمار و شاخص‌های کلان در خصوص فرزندآوری و تأهل دانشجویان، پژوهش‌های کمی و کیفی خرد نیز در این حیطة انجام شده است. در همین راستا [۱۱] طی پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند در شهر تهران با استفاده از مدل‌های سابقه رخداد وقایع» شاخص‌های فرزندآوری زنان تحصیل کرده دانشگاهی را با زنان تحصیلات با کمتر از دیپلم مورد مقایسه قرار داده است. نتایج این مقایسه نشان می‌دهد: «براساس سطح تحصیلات، زنان با تحصیلات دانشگاهی در فاصله طولانی‌تری از ازدواج به تولد اولین فرزند خود رسیده‌اند. میانه فاصله ازدواج تا تولد اول در این گروه از زنان ۴۶ ماه است. این

۱. گزارش نهاد رهبری در خصوص آمار و داده‌های ازدواج دانشجویی سال‌های ۱۳۷۶ الی ۱۴۰۱ در پاسخ به شماره نامه ۱۱۷۱۴/۱۱۰۰-۸۲ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

۲. همان.

شاخص برای زنان با تحصیلات کمتر از دیپلم، به گونه‌ای است که ۱۲ ماه پس از ازدواج به تولد اول می‌رسند. تنها ۶ درصد زنان دانشگاهی در سال نخست، فرزند اول را به دنیا می‌آورند. همچنین در فاصله ۳۶ ماه، ۳۲ درصد از زنان با تحصیلات کمتر از دیپلم بدون فرزند هستند. در حالی که ۶۴ درصد زنان با تحصیلات دانشگاهی، بدون فرزند باقی می‌مانند.»

مطالعه‌ای دیگر [۱۲] با عنوان «زمان وقوع تولد اولین فرزند و تعیین کننده‌های آن در استان سمنان با استفاده از مدل پارامتری بقا» به این نتیجه دست یافته‌اند که اختلاف فاصله از دواج تا تولد اولین فرزند در میان زنان بی‌سواد کمترین فاصله را نسبت به سایر سطوح تحصیلی دارند. با پیشروی در سطوح تحصیلی، اولین فرزند با تأخیر بیشتری به دنیا می‌آید و زنان دانشگاهی ۱/۲۳ سال از زنان بی‌سواد دیرتر فرزند اول خود را به دنیا می‌آورند.

در همین راستا در پژوهشی [۱۳] با عنوان «قصد تک‌فرزندی و تعیین کننده‌های آن در زنان و مردان در شرف ازدواج در تهران» متغیرهای تأثیرگذار بر قصد تک‌فرزندی بررسی شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که قصد تک‌فرزندی در کسانی که قصد ادامه تحصیل دارند، به طور معناداری بیشتر از افرادی است که قصد ادامه تحصیل ندارند. همچنین افرادی که قصد ادامه تحصیل تا مقطع کارشناسی ارشد داشتند در مقایسه با سایر مقاطع تحصیلی، بیشتر تک‌فرزندی را برمی‌گزینند.

همچنین پژوهش [۱۴] «واکاوی کیفی چالش‌های ایفای هم‌زمان نقش‌های دانشجویی و خانوادگی» با روش مصاحبه نیمه‌ساختار یافته تأثیرات نظام آموزشی را بر ایفای نقش خانوادگی دانشجویان دختر نشان داده است. نتایج پژوهش بیانگر این است که عملکرد نامناسب نظام آموزشی، فشار نقش مادری و فرزندداری، فشار نقش همسری، ضعف حمایت خانوادگی و نقش منفی خانواده از مقولات اصلی تعارض نقش خانوادگی و دانشجویی هستند. ذیل مقوله اصلی عملکرد نامناسب نظام آموزشی، مقولات فرعی همچون، ضوابط سخت آموزشی، انعطاف‌ناپذیری و تضاد قواعد آموزشی، یکسان‌نگری آموزشی، بی‌نظمی‌های گروه آموزش، اطلاق زمان آموزشی، سلیقه‌مداری در اجرای قوانین به دست آمده است.

بنابراین رصد این آمار نشان می‌دهد که وضعیت دو شاخص فرزندآوری و ازدواج در بین دانشجویان چندان مطلوب نیست. به همین جهت باید به واکاوی تأثیراتی پرداخت که مؤلفه‌های مختلف دانشگاه از قبیل ساختار و قواعد آموزشی، ساز و کارهای رفاهی و حمایتی و ... بر این دو مؤلفه می‌گذارد. البته لازم به ذکر است مجموعه عوامل مختلف ۲ مدل اثرگذاری بر موضوع مورد بررسی دارند، در حالت اول نگرش دانشجویان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند و به نوعی معنای ذهنی افراد را تغییر می‌دهند و در حالت دوم بر شرایط سخت‌افزاری دانشجویان اثرگذار می‌باشند.

۲. مقررات آموزشی



دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته مصوب ۱۳۹۴ شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی [۱۶] و آیین‌نامه آموزشی دوره دکترای تخصصی مصوب [۱۷] ۱۳۹۴ این شورا، به دست آمده‌اند.

همچنین با توجه به اهمیت تأثیر نحوه رفتار اساتید با دانشجویان و اثرگذاری بر ساختار دانشگاه، آیین‌نامه استخدامی اعضای هیئت علمی [۱۸] و آیین‌نامه ارتقای اعضای هیئت علمی نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

علاوه بر قوانین آموزشی که وزارت علوم در قالب آیین‌نامه ابلاغ کرده است؛ «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» را در برخی از قوانین و احکام آموزشی برای دانشگاه‌ها در نظر گرفته است. این قوانین و احکام در بخش میهمان، انتقالی، مرخصی و آموزش مجازی مادران دانشجو وجود دارد.

در همین راستا طبق بند «الف» و «ب» ماده (۲۶) این قانون،

یکی از مهم‌ترین بخش‌های نهاد آموزش عالی، مقررات آموزشی هستند. این مقررات گستردگی زیادی دارند و ساختار کلی نظام دانشگاهی را شکل می‌دهند. به همین جهت با توجه به آمارها و فرضیاتی که در خصوص رابطه نهاد خانواده و آموزش عالی مطرح شد، یکی از بررسی‌های مهم، تأثیر این قوانین بر دو شاخص فرزندآوری و ازدواج، اهمیت می‌یابد. در واقع سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در سطح آموزش عالی به عهده نهادهایی چون مجلس شورای اسلامی، هیئت دولت جمهوری اسلامی و شورای عالی انقلاب فرهنگی است. وزارت علوم و شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی نیز وظیفه سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در سطح وزارتی را برعهده دارد.

در همین راستا در بخش اول به بررسی مقررات آموزشی وزارت علوم پرداخته می‌شود. این قوانین از [۱۵] آیین‌نامه آموزشی

خانوادگی و اجتماعی (کار و تحصیل) وظایفی دارد اما انتظاراتی که از سوی این دو نقش بر افراد تحمیل می‌شود، همیشه سازگار نیست و باعث ایجاد تعارض بین کار و زندگی خانوادگی می‌شود [۲۱].

همچنین در تعریفی دیگر تعارض بین کار و خانواده به عنوان موقعیتی توصیف شده که شرایط کاری افراد با مسئولیت‌ها و انتظارات خانوادگی بر سر میزان محدود زمان و انرژی رقابت می‌کنند. در این صورت ناسازگاری بین خواسته‌های سازمانی و وظایف فردی به وجود می‌آید. به طوری که افراد نمی‌توانند زمان و انرژی لازم برای ایفای تعهداتشان تخصیص دهند.

رویکردی که بر قوانین حاکم است، بر نحوه رفتار نهاد دانشگاه در نسبت با مسئله خانواده تأثیر می‌گذارد. سنجش و تحلیل این قوانین با توجه به شاخص‌های خانواده‌محوری اهمیت دارد. در همین راستا، ماتسیاک و وزیاک بیالوسکا [۲۲] به برخی از این شاخص‌ها اشاره کرده‌اند.

بر اساس مطالعات آنان سه دسته اصلی عوامل کلان، بر تعادل بین شرایط کار و خانواده تأثیر می‌گذارد. دسته اول سیاست‌های خانواده‌دوست، مانند مهد کودک‌های عمومی و مرخصی والدین شدن برای زنان و مردان است. آنان دسته دوم را ساختار بازار کار نظیر انعطاف ساعت کاری و شرایط استخدام می‌دانند. دسته سوم را نیز هنجارهای اجتماعی در مورد نقش زنان و مردان تلقی می‌کنند. همچنین زینداریسیک و برنیک [۲۳] در مطالعه‌ای به برخی دیگر از شاخص‌های خانواده‌محوری اشاره دارند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد؛ حمایت مسئولان و همکاران، سیاست‌های خانواده‌دوست بر تعادل بین کار و خانواده تأثیر می‌گذارد. در واقع حمایت مسئول و کارفرمای شخص و همیاری همکاران تأثیر بسزایی در پذیرش نقش خانوادگی افراد ایجاد می‌کند. این حمایت‌ها شامل منعطف کردن ساعت کاری و مرخصی برای پدر و مادر است.

علاوه بر این، مطالعات داخلی نیز به بررسی عواملی پرداخته‌اند که به تعارض نقش خانوادگی و اجتماعی منجر می‌شود. [۲۴] این مطالعات به عواملی همچون حمایت سرپرست و همکاران در محل کار، رضایت شغلی، ساعات کاری و حمایت خانواده اشاره می‌کنند [۲۵] که بر کاهش تعارض میان نقش خانوادگی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد. [۲۶]

البته علی‌رغم اینکه پژوهش فوق تعادل کار و خانواده را مورد

مرخصی مادران دانشجو به پنج ترم افزایش یافته است. همچنین دانشگاه‌ها مکلف شده‌اند با درخواست مادر باردار یا دارای فرزند زیر سه سال برای آموزش مجازی موافقت کنند. علاوه بر این باید با تقاضای این مادران نیز به مدت دو سال میهمان مساعدت شود. ضمناً در خصوص قوانین شرایط کار اعضای هیئت علمی نیز در مواد (۱۵) و (۱۷) قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مواردی گفته شده است. این مسئله ناظر به مرخصی ۹ ماهه زایمان، دور کاری برای مادران، افزایش سنوات به ازای تأهل و فرزندآوری، افزایش سهمیه پایان‌نامه برای استادان راهنمای دارای فرزند شیرخوار و اعطای امتیاز استخدام و جذب به ازای هر فرزند است.

ارزیابی مقررات آموزش عالی از حیث خانواده‌محوری

شرایطی که مقررات و آیین‌نامه‌های آموزشی برای دانشجو ایجاد می‌کند، می‌تواند بر رفتار خانوادگی وی تأثیر گذارد و باعث به وجود آمدن موقعیت تعارض نقش دانشجویی و خانوادگی شود. به طوری که شرایط را برای تشکیل خانواده سخت سازد. لذا اسناد بالادستی این نکته را مورد توجه داشته‌اند. به گونه‌ای که ذیل فصل «اصول و مبانی، سند دانشگاه اسلامی»، بر «ارتقای جایگاه هدایتگر خانواده در تعالی بخشی علمی و فرهنگی دانشجویان» تأکید شده و راهبرد ۱۶ این سند نیز در راستای «اهتمام بر اصل خانواده‌محوری و ترویج و تسهیل ازدواج دانشجویی و تبیین موازین دینی و اخلاقی ارتباط مشروع و برقراری محرمیت حسب شرایط و مقتضیات در جهت رفع نیازهای معقول و واقعی دانشجویان»، هشت اقدام تعریف کرده است^۱ که تشویق و ترغیب به ازدواج آسان و فرزندآوری و تأمین امکانات و منابع مورد نیاز ازدواج جوانان از آن جمله است. علاوه بر آن در بندهای «۲» و «۴» «سیاست‌های کلی خانواده» [۱۹] به محور قرار گرفتن خانواده در قوانین و مقررات و وضع سیاست‌های اجرایی و مقررات تشویقی و حمایتی و ارزش‌گذاری به تشکیل خانواده تأکید شده است. همچنین در بند «۳» «سیاست‌های کلی جمعیت» [۲۰] بر اختصاص تسهیلات مناسب برای مادران به‌ویژه در دوران بارداری و شیردهی تأکید دارد.

از سوی دیگر در مورد تعارض نقش‌ها، رویکردهای کلانی وجود دارد که با تفاوت دیدگاه در مورد اصالت فرد و خانواده به این مقوله پرداخته‌اند. برخی معتقدند یک انسان بالغ در دو حوزه زندگی

۱. اقدام‌های تعریف شده ذیل راهبرد ۱۶ سند دانشگاه اسلامی: «تبیین اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام و ارائه راه‌حل‌های اسلامی و اخلاقی برای روابط سالم دانشجویان در فضاهای دانشگاهی و برنامه‌ریزی برای رفع اختلالات غیر ضروری در محیط‌های علمی و دانشگاهی»، «تدوین متون درسی جهت طرح مباحث مرتبط با نیازها و مقتضیات زندگی مشترک و اصلاح و بازنگری متون مغایر با آن»، «تقویت فرهنگ مشاوره و توسعه نهاد‌های مشاوره اخلاقی و دینی دانشجویان و برگزار کردن دوره‌های آموزشی متناسب با سبک زندگی اسلامی»، «آسیب‌شناسی و پایش ازدواج‌های دانشجویی و یافتن راهکارهایی برای توسعه و ترویج آن»، «تهیه و تدوین پیوست فرهنگی خانواده‌محور در رشته‌های مختلف»، «تشویق و ترغیب ازدواج دانشجویی با رعایت اصل سادگی و الگوسازی آیین ازدواج آسان و آگاهانه»، «شناسایی و هماهنگی نهادها، اشخاص و دستگاه‌های اجرایی برای تأمین امکانات و منابع مورد نیاز برای ازدواج دانشجویی»، «حمایت و تشویق دانشجویان متأهل و دارای فرزند در راستای ارتقای تحصیلی آنان در مورد تعارض نقش‌ها، نظریاتی در سطح عرصه علمی مطرح شده است».

نیازهای دانشجویان متأهل و مجرد اشاره داشت. براساس این شاخص‌ها متن آیین‌نامه‌های مورد نظر پژوهش مورد بررسی قرار گرفت و چالش‌های ذیل احصا شد:

۱. عدم انعطاف‌پذیری،
۲. عدم توجه به هر دو والد،
۳. ایجاد زمینه برخورد سلیقه‌ای مسئولان دانشگاه با شرایط تأهل و فرزندآوری دانشجویان،
۴. تعارض ارزش‌ها،
۵. یکسان‌نگری بین افراد مجرد و متأهل. لذا با توجه به شاخص‌ها و مشکلات احصا شده در ادامه به تحلیل و توضیح هر یک از این موارد پرداخته خواهد شد.

بررسی قرار داده است، با توجه به مشابهت شرایط کار (نقش اجتماعی بیرون از منزل) با تحصیل (نقش اجتماعی بیرون از منزل) می‌توان از نتایج آن در شاخص‌های خانواده محوری تحصیل نیز استفاده نمود.

با توجه به عوامل سازمانی و اجتماعی که بر کاهش تعارض میان نقش خانوادگی و اجتماعی مؤثر است و با استفاده از اسناد سیاستی موجود در این حوزه، می‌توان شاخص‌هایی برای قوانین خانواده محور احصا کرد.

بنابراین با توجه به مطالعات انجام شده در این حیطة و اسناد بالادستی اشاره شده می‌توان به شاخص‌هایی همچون انعطاف‌پذیری، توجه به هر دو والد، توجه و حمایت مسئولان به نقش خانوادگی، ارزش‌گذاری نقش خانوادگی و توجه به تفاوت

جدول ۱. مواد آیین نامه آموزشی دوران کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری

موضوع قوانین	مقررات آموزشی	ارزیابی مقررات
واحدهای درسی	<p>■ اخذ حداکثر ۲۴ واحد در صورت بالاتر از ۱۷ بودن معدل و حداقل ۱۲ واحد در دوره کارشناسی، حداقل ۸ واحد و حداکثر ۱۲ واحد در دوره ارشد و تعیین حداکثر و حداقل واحد درسی برای دکتری به تشخیص و نظر گروه و استاد راهنما.^۱</p> <p>■ گذراندن ۲۲ واحد درس عمومی در دوره کارشناسی</p> <p>■ دانشگاه مجاز است حداکثر ۱۰ درصد از واحدهای درسی هر دوره را با اولویت دروس پایه و عمومی به جز دروس مجموعه معارف اسلامی و فارسی عمومی به صورت الکترونیکی (مجازی) با تأکید بر محتوای الکترونیکی و رعایت استانداردهای مصوب وزارت ارائه نماید.^۲</p> <p>■ احتساب دروس جبرانی در تعداد واحدهای کارشناسی و به تشخیص گروه آموزش حداکثر ۶ واحد است. حداکثر ۱۲ واحد درس جبرانی برای دانشجویان ارشد. برای ارشد اولویت انتخاب واحد با دروس جبرانی است.^۳</p> <p>■ آموزش ۱۶ هفته و دو هفته امتحانات پایانی است.^۴</p> <p>■ برای دانشجویان کارشناسی چگونگی ترتیب ارائه کلیه دروس هر دوره با رعایت پیش نیاز دروس برعهده گروه آموزشی است.^۵</p> <p>■ برنامهریزی و اتخاذ تصمیم درباره موارد حذف، اضافه و حذف اضطراری دروس برعهده شورای آموزشی مؤسسه است.^۶</p> <p>■ در شرایط خاص حذف کلیه دروس یک نیمسال تحصیلی یا یک درس با درخواست کتبی دانشجو و تأیید شورای آموزشی مؤسسه تا قبل از شروع امتحانات امکان پذیر است.^۷</p>	<p>■ تعیین سقف مجاز تعداد واحد برای هر نیمسال تحصیلی با توجه به امکانات نظام آموزش عالی و زمان لازم برای حفظ کیفیت آموزش ضروری است اما تعیین حداقل واحدهای درسی برای دانشجویان متأهل و به خصوص دانشجویان دارای فرزند محدودیت‌هایی را ایجاد می‌نماید. به عبارتی یکسان‌نگری بین دانشجویان متأهل و مجرد در زمینه اخذ واحدهای درسی و در نظر نگرفتن الزامات خانواده در تنظیم ضوابط اجرایی دانشجو را در تحقق نقش‌های خانوادگی و اجتماعی دچار چالش می‌کند.</p>
نیمسال پایانی دانشجو	<p>■ چنانچه دانشجو در نیمسال آخر برای دانش آموختگی حداکثر ۲۴ واحد داشته باشد، به شرطی که میانگین معدل کل وی بالاتر از ۱۰ باشد، می‌تواند تا ۲۴ واحد درسی اخذ کند.^۸</p> <p>■ در شرایط خاص که دانشجو با گذراندن حداکثر ۸ واحد درسی دانش آموخته شود، با تأیید گروه آموزشی می‌تواند واحدهای مذکور را در دوره تابستان اخذ نماید.^۹</p> <p>■ در صورتی که دانشجو در آخرین نیمسال تحصیلی برای دانش آموختگی دو درس نظری داشته باشد با تأیید گروه آموزشی و با رعایت سقف واحدهای آن نیمسال می‌تواند دروس را به صورت معرفی به استاد در آن نیمسال یا دوره تابستان بگذراند.^{۱۰}</p> <p>■ دانشجو در نیمسال آخر از رعایت مقررات مربوط به پیش‌نیاز (تقدم و تأخر) معاف است.^{۱۱}</p>	<p>■ به‌رغم در نظر گرفتن تمهیدات تسهیل‌گر ایانه اما در تنظیم مقرره‌های داخلی دانشگاه که مرتبط با اتمام دوره تحصیلی است تفاوتی بین دانشجویان متأهل و مجرد و دانشجویان دارای فرزند وجود ندارد. به عبارتی یکسان‌نگری بین دانشجویان مجرد و متأهل و عدم لحاظ شرایط، آنها را در موقعیت نابرابر آموزشی قرار می‌دهد و از سوی دیگر خانواده را تحت تأثیر قرار خواهد داد. نکته دیگر اینکه شرایط آموزشی سخت‌تر برای دانشجویان متأهل و دارای فرزند به انتقال فرایند تشکیل خانواده و فرزندآوری به بعد از دوره تحصیل و افزایش سن ازدواج منجر خواهد شد.</p>

۱. مواد (۷) آیین‌نامه آموزشی دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد و ماده (۱۰) آیین‌نامه آموزشی دوره دکتری تخصصی
۲. ماده (۵) آیین‌نامه آموزشی دوره کارشناسی.
۳. ماده (۱۰) آیین‌نامه آموزشی دوره کارشناسی، ماده (۹) آیین‌نامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد و ماده.
۴. ماده (۸) آیین‌نامه دوره دکتری تخصصی و مورد «۲۲» ماده (۲) آیین‌نامه آموزشی دوره کارشناسی.
۵. ماده (۹) آیین‌نامه آموزشی دوره کارشناسی.
۶. ماده (۱۴) و ماده (۱۲) آیین‌نامه آموزشی دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد.
۷. تبصره «۳» ماده (۱۷) آیین‌نامه آموزشی دوره کارشناسی و ماده (۱۵) آیین‌نامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد.
۸. تبصره «۲» ماده (۷) آیین‌نامه آموزشی دوره کارشناسی.
۹. تبصره «۳» ماده (۷) آیین‌نامه آموزشی دوره کارشناسی.
۱۰. ماده (۸) آیین‌نامه آموزشی دوره کارشناسی.
۱۱. تبصره ماده (۹) آیین‌نامه آموزشی دوره کارشناسی.

ارزیابی مقررات	مقررات آموزشی	موضوع قوانین
<p>■ عدم انعطاف‌پذیری در خصوص شرایط حضور و الزام به آزمون کتبی، تاریخ ثبت نمرات در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد.</p> <p>■ یکسان‌نگری بین دانشجویان مجرد و متأهل در سقف سنوات تحصیلی، دفعات مجاز به شرکت در آزمون جامع.</p> <p>البته باید به این نکته توجه داشت که بالا بودن طول دوره آموزش، با توجه به وابستگی اشتغال به کار به تحصیلات دانشگاهی، منجر به افزایش سن و ورود به شغل و در نهایت افزایش سن از دواج می‌گردد.</p> <p>لذا به طور کلی کاهش واحدهای غیر ضرور و به نوعی کارمدرس‌سازی آموزش‌های تعریف شده از الزامات بهینه‌سازی دوره آموزش کارشناسی است. اما برای دانشجویان متأهل امکان استفاده از فرمت افزایش سنوات با توجه به شرایط خاص زندگی متاهلی کمک‌کننده خواهد بود.</p> <p>■ همچنین با توجه به اینکه در آیین‌نامه آموزشی دکتری تخصصی اعلام ثبت نمرات به آیین‌نامه مصوب هر دانشگاه واگذار شده است، زمینه برخورد‌های سلیقه‌ای را در این زمینه تشدید می‌کند. به خصوص آنکه بیشتر دانشجویان مقطع دکتری متأهل هستند و ارزیابی در س‌ها توأم با ارائه فعالیت پژوهشی و مقاله است، عدم انعطاف‌پذیری بازه ثبت نمرات و نادیده گرفتن نقش خانوادگی دانشجو با واگذاری کامل به هر دانشگاه افزایش می‌یابد.</p> <p>■ از سوی دیگر در مقرر ه مربوط به «جبران کمبود میانگین کل» می‌توان شرط «در صورتی‌که حداکثر مدت مجاز تحصیل وی به پایان نرسیده باشد» را برای دانشجویان متأهل برداشت.</p>	<p>■ مدت مجاز تحصیل در دوره‌های کاردانی (اعم از پیوسته و ناپیوسته) و کارشناسی ناپیوسته دو سال و در دوره‌های کارشناسی پیوسته چهار سال و برای دوره ارشد ۲ سال و برای دانشجویان دکتری دوره دکتری در شیوه آموزشی، پژوهشی حداقل سه سال و نیم و حداکثر چهار سال و نیم و در شیوه پژوهشی حداقل سه سال و حداکثر چهار سال است و در صورت ضرورت به پیشنهاد استاد راهنما و تأیید گروه ذی‌ربط در هر دو شیوه می‌توان حداکثر تا یک و نیم سال تحصیلی به این مدت افزود.^۱</p> <p>■ دانشگاه اختیار دارد در شرایط خاص و با تصویب شورای آموزشی دانشگاه، حداکثر یک نیم‌سال برای دوره‌های کاردانی و کارشناسی ناپیوسته و حداکثر دو نیم‌سال برای دوره کارشناسی پیوسته، مدت مجاز تحصیل را افزایش دهد. چنانچه دانشجو در این مدت دانش‌آموخته نشود از ادامه تحصیل محروم خواهد شد. مدت مجاز سنوات تحصیلی برای دانشجویان ارشد یک ترم است. حضور دانشجو در تمام جلسات درس الزامی است.^۲</p> <p>■ اگر دانشجو برای ۱۶ جلسه درسی بیش از سه بار غیبت داشته باشد و یا در جلسه امتحان پایان ترم غیبت کند به تشخیص شورای آموزشی دانشگاه غیرموجه تشخیص داده شود، نمره آن درس صفر و در صورت تشخیص موجه، آن درس حذف می‌شود.^۳</p> <p>■ برگزاری آزمون کتبی برای درس نظری الزامی است.^۴</p> <p>■ ارزیابی پیشرفت تحصیلی دانشجو در هر درس توسط مدرس آن درس و براساس حضور و فعالیت در کلاس، انجام تکالیف و نتایج امتحانات انجام می‌شود و به صورت عددی از صفر تا بیست معاسبه می‌شود.^۵</p> <p>■ تاریخ ثبت نمره هر درس حداکثر ۱۰ روز پس از برگزاری امتحان آن درس در پایان ترم خواهد بود. نمرات دروس تمرین‌دبیری، کارآموزی، کارورزی و عملیات صحرایی، کار در عرصه و دروسی که در برنامه درسی مصوب توأم با تکلیف پژوهشی ارائه می‌شود در صورتی‌که به تشخیص مدرس و تأیید گروه آموزشی مربوط تکمیل آنها در طول یک نیم‌سال تحصیلی میسر نباشد ناتمام تلقی می‌شود. نمره ناتمام باید ظرف حداکثر ۴۵ روز از تاریخ پایان امتحانات به نمره قطعی تبدیل شود. چنانچه دانشجو اقدام به اخذ درس پروژه کارآموزی در ترم تابستانی نماید، نمره این درس حداکثر تا قبل از شروع امتحانات نیم‌سال اول تبدیل به نمره قطعی شود.^۶</p> <p>■ برای دانشجویان کارشناسی ارشد، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری درباره تقویم آموزشی، چگونگی اعلام ثبت نمره، زمان حذف و اضافه، حذف اضطراری دروس، نحوه اعتراض به نتایج امتحانات، تاریخ تجدیدنظر و غیره طبق شیوه‌نامه اجرایی مصوب مؤسسه انجام می‌شود.^۷</p> <p>■ برای دانشجویان کارشناسی حداقل نمره قبولی ۱۰ و معدل ۱۲ است و برای دانشجویان ارشد میانگین نمرات در دو نیم‌سال نباید از ۱۴ کمتر باشد. دانشجویی که پس از گذراندن کلیه دروس دوره، در هر سه شیوه، میانگین کل نمرات او از ۱۴ کمتر باشد-در صورتی‌که حداکثر مدت مجاز تحصیل وی به پایان نرسیده باشد-می‌تواند دروسی را که در آنها نمره کمتر از ۱۴ احراز کرده است فقط در یک نیم‌سال تکرار کند و در صورت جبران کمبود میانگین کل دانش‌آموخته می‌شود. دانشجویی که به هر دلیل نتواند از این فرصت استفاده کند محروم می‌شود.</p> <p>دانشجویان دکتری نیز حداقل نمره قبولی در هر درس ۱۴ از ۲۰ و میانگین قابل قبول نمره‌های دانشجو در همه دروس ۲۰ است. ولی چنانچه میانگین، دانشجو کمتر از ۱۶ باشد. دانشجو مجاز خواهد بود، با نظر استاد راهنما حداکثر در یک نیم‌سال تحصیلی، در س‌هایی را علاوه بر سقف واحدهای درسی برای جبران میانگین کل بگذراند. همچنین حداقل نمره قبولی در آزمون جامع ۱۶ است و در صورت رد شدن تنها یک‌بار می‌تواند در آزمون شرکت کند.^۸</p> <p>■ ضوابط مربوط به چگونگی ثبت و اعلام نمره در مقطع دکتری تخصصی براساس شیوه‌نامه اجرایی مصوب مؤسسه (مرکز آموزشی) انجام می‌شود.^۹</p>	<p>مدت تحصیل نحوه حضور و ارزیابی</p>

۱. ماده (۱۵) و ماده (۶) آیین‌نامه آموزشی دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد و ماده (۹) آیین‌نامه آموزشی دوره دکتری تخصصی.
۲. تبصره «یک» ماده (۱۵) و تبصره ماده (۶) آیین‌نامه آموزشی دوره کارشناسی.
۳. تبصره «یک» ماده (۱۷) و ماده (۱۴) آیین‌نامه آموزشی دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد و ماده (۱۳) آیین‌نامه آموزشی دکتری تخصصی.
۴. تبصره «یک» ماده (۱۶) آیین‌نامه آموزشی دوره کارشناسی.
۵. ماده (۱۶) و ماده (۱۳) آیین‌نامه آموزشی دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد و ماده (۱۲) آیین‌نامه آموزشی دوره دکتری تخصصی.
۶. شیوه‌نامه اجرایی ماده (۱۴) آیین‌نامه آموزشی دوره کارشناسی.
۷. ماده (۱۲) آیین‌نامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد.
۸. مواد (۱۸) و (۱۶) آیین‌نامه آموزشی دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد و ماده (۱۱) و (۱۴) آیین‌نامه آموزشی دوره دکتری تخصصی.
۹. ماده (۲۳) آیین‌نامه آموزشی دوره دکتری تخصصی.

ارزیابی مقررات	مقررات آموزشی	موضوع قوانین
<p>■ عدم توجه به هر دو والد در مرخصی والد شدن و مأموریت همسر.</p>	<p>■ دانشجویان کارشناسی می‌توانند با رعایت سنوات مجاز تحصیلی، در دوره کاردانی و کارشناسی ناپیوسته، یک نیم‌سال و در دوره کارشناسی پیوسته حداکثر دو نیم‌سال از مرخصی تحصیلی استفاده کند. همچنین در خواست مرخصی پزشکی، در صورت تأیید پزشک معتمد دانشگاه و شورای آموزشی، حداکثر دو نیم‌سال تحصیلی و بدون احتساب در سنوات تحصیلی است. بررسی سایر مصدق‌های مرخصی تحصیلی مانند (مأموریت همسر یا والدین و...) حداکثر تا دو نیم‌سال تحصیلی و بدون احتساب در سنوات مجاز، در اختیار شورای آموزشی دانشگاه است. دانشجوی دوره کارشناسی ارشد در هر سه شیوه می‌تواند حداکثر یک نیم‌سال از مرخصی تحصیلی استفاده نماید؛ مدت مذکور جزو سنوات تحصیلی دانشجوی محسوب می‌شود.^۱</p> <p>■ انتقال و تغییر رشته در هر سه شیوه دوره کارشناسی ارشد ممنوع است. انتقال از یک شیوه به شیوه دیگر با رعایت سنوات دوره در اختیار مؤسسه آموزش عالی است. هر دانشجویی در هر سه شیوه کارشناسی ارشد، می‌تواند حداکثر دو نیم‌سال را با موافقت مبدأ و مقصد به‌عنوان مهمان بگذراند. تغییر رشته و یا انتقالی دانشجوی دکتری تخصصی در همان مؤسسه یا سایر مؤسسه‌ها اعم از دولتی و غیردولتی ممنوع است.^۲</p> <p>■ مرخصی زایمان به مدت پنج ترم بدون احتساب سنوات برای دانشجویان دختر.</p>	<p>مرخصی، انتقالی و میهمان</p>
<p>■ یکسان‌انگاری بین دانشجویان متأهل و مجرد.</p>	<p>■ دانشجوی موظف است قبل از شروع نیم‌سال سوم تحصیلی، موضوع پایان‌نامه خود را با نظر استاد راهنما و تأیید گروه آموزشی انتخاب کند. چنانچه دانشجویی تمام واحدهای آموزشی دوره را با میانگین کل حداقل ۱۴ گذرانده باشد ولی نتواند یا نخواهد از پایان‌نامه خود دفاع کند باید در مدت مجاز تحصیلی، معادل تعداد واحد پایان‌نامه و طبق نظر گروه آموزشی، واحد یا واحدهای درسی مرتبط را با رشته تحصیلی اخذ و با میانگین کل حداقل ۱۴ بگذراند تا در دوره مذکور به شیوه آموزشی دانش‌آموخته شود. نوع شیوه دانش‌آموختگی در دانشنامه قید می‌شود. دانشجویی که به هر دلیل نتواند دوره تحصیلی را به پایان برساند، فقط گواهی گذراندن واحد درسی به وی اعطا می‌شود.^۳</p> <p>■ مسئولیت برنامهریزی و برگزاری جلسه دفاع از طرح پیشنهادی رساله به‌عهده مدیر گروه و هماهنگی معاون آموزشی دانشکده است. دانشجوی موظف است در طی مرحله پژوهشی، پس از گذشت یک سال از تصویب پیشنهادیه نسبت به ارائه گزارش‌های پیشرفت ترمی رساله اقدام و پس از تأیید توسط استاد راهنما و مشاور، آن را به آموزش دانشکده تحویل دهد. چنانچه پیشرفت فعالیت‌های پژوهشی از نظر استاد راهنما مورد تأیید نباشد از سوی شورای آموزشی دانشکده تنها یک نیم‌سال به دانشجوی فرصت داده می‌شود تا روند فعالیت‌های پژوهشی خود را به سطح قابل قبول ارتقا دهد، در غیر این صورت جهت تصمیم‌گیری به شورای تحصیلات تکمیلی دانشگاه ارجاع داده می‌شود. چنانچه رساله دانشجوی «مردود» ارزیابی شود بنا به تشخیص هیئت داوران، دانشجوی مجاز است حداکثر طی یک نیم‌سال، به شرط آنکه طول دوره از حداکثر مدت مجاز تحصیل بیشتر نشود اصلاحات لازم را در رساله به‌عمل آورد و صرفاً یکبار دیگر از آن دفاع کند. دانشجوی موظف است حداکثر تا یک ماه پس از دفاع، اصلاحات لازم در رساله را انجام دهد و به تأیید استاد یا اساتید راهنما برساند.^۴</p> <p>■ دانشجوی موظف است ویرایش نهایی رساله خود را با رعایت تصحیحات مورد نظر هیئت داوران، حداکثر دو ماه پس از برگزاری جلسه دفاع به استاد راهنما تحویل نماید. صورت جلسه دفاع دکتری می‌بایست حداکثر سه ماه پس از برگزاری جلسه دفاع به حوزه تحصیلات تکمیلی تسلیم شود.</p>	<p>پایان‌نامه و رساله دکتری</p>

۱. ماده (۲۰) و (۱۸) آیین‌نامه آموزشی دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد.

۲. ماده (۲۰) و ماده (۶) آیین‌نامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی.

۳. مواد (۲۱) و (۲۴) آیین‌نامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد.

۴. ماده (۲۰) آیین‌نامه آموزشی دوره دکتری تخصصی.

عدم انعطاف پذیری

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های قوانین خانواده‌محور، انعطاف‌پذیری است. انعطاف‌پذیری آموزشی به افراد اجازه می‌دهد که استقلال و کنترلی بیشتر بر وقت خود داشته باشند. به همین جهت می‌توانند به طور بهتری، بین نقش خانوادگی و اجتماعی خود تعادل برقرار کنند. برخی از بررسی‌ها نشان می‌دهد قوانین منعطف، کارایی تحصیلی افراد را با کم کردن فشار و ترس بیرونی، بهبود می‌بخشد و دانشجویان می‌توانند با توجه به شرایط خانوادگی خود بین شیوه‌های مختلف دست به انتخاب زنند. همچنین پژوهش‌های دیگر بیانگر این است که با کنترل زمانی که روش‌های انعطاف‌پذیر برای دانشجویان به وجود می‌آورد، کارایی آنان را بهبود می‌بخشد. با وجود اهمیت این مسئله، قوانین آیین‌نامه آموزشی دانشگاه از انعطاف‌پذیری کمی برخوردار است.

به صورتی که قوانین ذیل نحوه حضور و شیوه ارزیابی به خصوص در آیین‌نامه دوره کارشناسی، به روش تدریس حضوری رسمیت داده و آزمون کتبی را الزامی شمرده است. تدریس حضوری و برگزاری آزمون کتبی در پایان ترم تحصیلی از رایج‌ترین شیوه‌های آموزشی در ایران است. باین حال این روش، انعطاف‌پذیری کمی دارد. به طوری که شیوه‌های دیگر آموزشی کم‌رنگ می‌شوند.

این رویه برای دانشجویان متأهلی که برای اداره زندگی شاغل هستند، مشکلاتی را به وجود می‌آورد. الزام حضور در ساعاتی خاص، آنان را مجبور می‌کند که از ساعات کاری که ممکن است با ساعت کلاس مقارن شود، بکاهند. سپس برای جبران کسری ساعت کاری از زمان‌های دیگری که می‌توانند به مطالعه بپردازند و یا با خانواده بگذرانند، کم می‌کنند. برای دانشجویانی نیز که فرزند نوزاد و یا خردسال دارند الزام به حضور در کلاس مشکلاتی را به وجود می‌آورد. به خصوص در شرایطی که دانشگاه خدماتی مانند نگهداری کودک ارائه نمی‌کند. البته باید به این نکته مهم توجه داشت که کیفیت آموزشی نباید تحت تأثیر قرار گیرد و انعطاف‌پذیری آموزشی به سهل‌گیری و آموزش مجازی تقلیل داده نشود. همچنین نباید انعطاف‌پذیری به معنای سهل‌گیری در امور آموزشی معنا شود. بنابراین باید با حفظ کیفیت آموزشی شیوه‌های منعطفی که شرایط را برای توسعه دانش و شناخت دانشجویان فراهم می‌کند، مهیا کرد و شرایط حضور با کیفیت و بدون دغدغه برای آنان فراهم شود.

در خصوص شیوه ارزیابی کتبی نیز که تنها در یک روز برگزار می‌شود، مدیریت زمان را برای دانشجویان متأهل محدود می‌کند. زندگی روزمره خانوادگی می‌تواند چالش‌های زیادی ایجاد کند مانند مشکلات مالی،

بیماری فرزندان یا بیماری همسر که بیرون از برنامه پیش‌بینی شده دانشجویان است. در این شرایط اگر دانشجو سر جلسه امتحان حضور پیدا نکند، طبق آیین‌نامه در صورت موجه دانستن غیبت از سوی مرکز آموزشی، آن درس برای دانشجو حذف می‌شود. در صورتی که دانشجو در طول ترم وقت گذاشته و سر کلاس حضور پیدا کرده است، تنها به دلیل عدم حضور سر جلسه امتحان، واحد درسی حذف می‌شود و باید مجدد ترم آتی درس را بگذرانند. هر چند برخی از معیارهایی نظیر موارد پزشکی برای موجه دانستن غیبت وجود دارد، اما در موارد دیگر شاخص دقیقی برای موجه دانستن غیبت موجود نیست. همچنین موارد پزشکی، معمولاً زمانی موجه‌اند که خود دانشجو بیمار باشد و در شرایط مربوط به بیماری فرزند که برای دانشجویان متأهل می‌تواند به وجود آید، به تصمیم هر دانشگاه بستگی دارد. این مشکل زمانی ممکن است تشدید شود که مرکز آموزشی غیبت این دانشجو را موجه نشمارد و برای واحد درسی نمره صفر رد کند. لذا با توجه به تحولات اجتماعی و اهمیت سن ورود به شغل در مقوله ازدواج، این ضرورت وجود دارد که دانشگاه در کنار دوره‌های کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری دوره‌های آموزشی با بازه زمانی محدود تر و کاربردی تر طراحی نماید تا افراد بتوانند با توجه به شرایط، آموزش‌های ضروری را در کمترین زمان ممکن دریافت نمایند.

با توجه به شاخص انعطاف‌پذیری می‌توان گفت که در آیین‌نامه استخدامی اعضای هیئت علمی^۱ سعی شده شیوه کاری منعطفی ایجاد شود. یکی از این موارد، قرار دادن شیوه خدمت نیمه‌وقت است. در شیوه نیمه‌حضوری یا نیمه‌وقت، عضو باید در هفته ۲۰ ساعت در محل خدمت حضور پیدا کنند. ساعت حضور اعضای تمام‌وقت نیز ۴۰ ساعت است.^۲ باین حال مقررات مربوط به این روش، اشکال‌هایی دارد به عنوان مثال بانوانی که خدمت نیمه‌وقت انجام می‌دهند در صورت پرداخت کامل کسور بازنشستگی، سابقه خدمت برای آنان محسوب می‌شود و صرفاً از ۵۰ درصد حقوق و مزایای مستمر عضو تمام‌وقت برخوردار می‌شوند.^۳ همچنین حداکثر بازه زمانی که زنان می‌توانند از شیوه نیمه‌وقت استفاده کنند، پنج سال است. هر چند از نگاه اقتصادی، یکسان دانستن سابقه خدمت اعضای نیمه‌وقت با تمام‌وقت، توجیه‌پذیر نیست اما از آنجاکه بیشتر بانوان به دلیل شرایط مادر شدن این شیوه خدمت را انتخاب می‌کنند، باید به ابعاد ارزشمند پذیرش نقش مادری و نیازهای آنها توجه داشت. همچنین باید اشاره کرد که پذیرش شیوه کار نیمه‌وقت نیز منوط به موافقت رئیس مؤسسه شده است.^۴ به طوری که منوط کردن این مقرره به موافقت مسئول مربوطه نظارت‌پذیری را کاهش می‌دهد، به گونه‌ای

۱. آیین‌نامه استخدامی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، پژوهشی و فناوری.

۲. تبصره «۳» ماده (۲۱) آیین‌نامه استخدامی اعضای هیئت علمی: اعضا مکلفند در ساعات خدمت تعیین شده خود، متناسب با وضعیت خدمتی خود (تمام‌وقت ۴۰ ساعت، نیمه‌حضوری ۲۰ ساعت یا نیمه‌وقت ۲۰ ساعت) حسب مورد در محل خدمت خود حضور یابند و وظایف محول را انجام دهند.

۳. ماده (۶۰) آیین‌نامه استخدامی اعضای هیئت علمی: بانوان عضو مشمول ماده «۱۷» (بانوانی که از خدمت نیمه‌حضوری استفاده می‌کنند) صرفاً از ۵۰ درصد حقوق و مزایای مستمر عضو تمام‌وقت برخوردار می‌گردند.

۴. ماده (۱۷) آیین‌نامه استخدامی اعضای هیئت علمی: بانوان عضو رسمی می‌توانند در صورت موافقت واحد سازمانی مربوط و رئیس مؤسسه و یا مقام مجاز از طرف ایشان در چارچوب

این ماده، مردانی را در نظر گرفته است که به دلیل فوت یا طلاق همسر خود را از دست داده و برای نگهداری فرزند نیاز به زمان بیشتری دارند.

ایجاد زمینه بر خورد سلیقه‌ای مسئولان دانشگاه با شرایط تأهل و فرزندآوری دانشجویان

یکی از شاخص‌هایی که در مطالعات گفته شده به آن توجه شده، حمایت کارفرما از کارمندان متأهل و والد است. در ساختار دانشگاه نیز علاوه بر مسئولان بالادستی نحوه تعامل مسئولان هر دانشگاه و اساتید با دانشجویان متأهل اهمیت دارد. بررسی آیین‌نامه‌های آموزشی وزارت علوم، نشان می‌دهد بسیاری از تصمیمات بر عهده شورای آموزشی هر دانشگاه و سپس استاد دانشگاه واگذار شده است.

در بخش انتخاب و ارائه واحدهای جبرانی، ارائه آموزش مجازی برای دروس عمومی، مقررات مربوط به حذف و اضافه اضطراری، بازه زمانی اعلام و ثبت نمره امتحانات پایان ترم، تعیین مصداق مرخصی تحصیلی از جمله مواردی است که به اختیار شورای آموزشی دانشگاه‌ها گذاشته شده است.

این مسئله هر چند استقلال دانشگاه را به رسمیت می‌شمارد، اما از حیث تعارض با نقش خانوادگی اشکال‌هایی ایجاد می‌کند. همان‌طور که در مطالعات دیگر آمده است حمایت و درک مسئولان از نقش خانوادگی تأثیر بسزایی در ایجاد تعادل بین نقش‌ها دارد. [۲۷]

با این حال، واگذاری بسیاری از تصمیم‌ها به دانشگاه‌ها و اساتید باعث ایجاد رویکردهای سلیقه‌ای می‌شود به طوری که تصمیم‌های اساتید و مصوبات هیئت‌امنا در تعارض با نقش خانوادگی دانشجویان قرار می‌گیرد. همچنین انتظار می‌رود مصوبات دانشگاه خلاف قوانین بالادستی وزارت مربوطه نباشد؛ اما به جهت اینکه در قوانین آموزشی، عنایتی به نقش خانوادگی افراد نشده است، این برخورد سلیقه‌ای و عدم توجه به زندگی خانوادگی دانشجوی، تشدید می‌شود.

تعارض ارزش‌ها (نادیده‌انگاری ارزش نقش خانوادگی)

مجموعه قوانین یک کشور به خصوص قوانینی که مردم با آن ارتباط مستقیم دارند، می‌تواند مروج یک ارزش مطلوب در جامعه باشند. این تبلیغ و ترویج زمانی بر جامعه مخاطب اثر می‌گذارد که ارزش‌های نهفته در سیاست‌های اجرایی با سیاست‌ها و اسناد بالادستی هماهنگی داشته باشد. در خصوص موضوع خانواده نیز زمانی که بسیاری از اسناد بالادستی کشور مانند قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام ابلاغی مقام معظم رهبری بر ارزشمندی نقش مادری و خانوادگی تأکید دارد، برای

که دستگاه مجری در این خصوص پاسخگو نخواهد بود. از سوی دیگر با توجه به نیاز دانشگاه به حضور و فعالیت هیأت علمی در دانشگاه، قرار دادن مقررات حمایتی از اعضای هیأت علمی زن به تقویت این گزاره که «دانشگاه پذیرش هیأت علمی زن را در اولویت قرار نمی‌دهد» دامن می‌زند. لذا به نظر می‌رسد تعیین ظرفیت مشخصی از بانوان برای جذب هیأت علمی، حداقل برای چند سال محدود می‌تواند در فرهنگ سازی این موضوع کمک کننده باشد.

عدم توجه به هر دو والد

یکی دیگر از شاخص‌های قوانین خانواده محور، توجه به هر دو والد است که جای خالی آن در قوانین آموزشی احساس می‌شود. در بیشتر قوانین، امتیازات آموزشی برای مادران مانند مرخصی زایمان در نظر گرفته شده است. هر چند تا حدودی به دلیل شرایط زایمان و بارداری باید مادران از مزایای بیشتری برخوردار شوند اما عدم توجه به نقش خانوادگی پدر و تمرکز بیش از حد بر مادر می‌تواند نتایج منفی در برداشته باشد.

به طوری که این تمرکز یک سو به باعث فشار مسئولیت بیش از حد به مادر می‌شود. همچنین عدم توجه به نقش پدر در خانواده، مشارکت مرد در امور خانواده را کم رنگ می‌کند. در صورتی که اگر پدر نیز قصد کمک داشته باشد با فشارهای کاری و تحصیلی بیرونی مواجه می‌شود. بنابراین به رسمیت شمردن نقش خانوادگی پدران، ترویج مشارکت و توجه به نقش مهم مردان در تربیت فرزندان، بهتر است خدمات رفاهی و تسهیل در دیگر قواعد آموزشی مانند مرخصی والدین، تفاوت در سقف سنوات تحصیلی و سقف اخذ واحدهای درسی برای دانشجویان پدر نیز در نظر گرفته شود.

همچنین باید اشاره داشت که در آیین‌نامه استخدامی اعضای هیأت علمی نیز، تنها به بعد اقتصادی نقش پدر توجه شده است. به صورتی که تنها حق عائله‌مندی و همراهی فرزندان و همسر در مأموریت‌های علمی برای مردان، لحاظ می‌شود. در حالی که نیاز به اعطای مرخصی والد شدن برای مردان به جهت حضور و مشارکت در مراقبت از مادر و فرزند احساس می‌شود.

علاوه بر اینکه آیین‌نامه، مرخصی والد شدن را برای پدران در نظر نگرفته، تقلیل ساعت روزانه کاری را نیز برای آنان محاسبه نمی‌کند. با این وجود در بند «د» ماده (۲۸) آیین‌نامه استخدامی^۱، مردان فاقد همسر حداکثر تا سقف چهار ساعت از کاهش ساعت کاری روزانه برخوردار می‌شوند. به نظر می‌رسد بر خورداری مردان فاقد همسر از کاهش ساعت کاری روزانه در

ضوابط و مقررات این آیین‌نامه، حداکثر به مدت «۵» سال از شیوه نیمه‌وقت در طول خدمت استفاده کنند.

تبصره - بانوان عضو پیمانی، صرفاً در مدت قرارداد مجاز به استفاده از شیوه خدمت نیمه‌وقت خواهند بود. در هر صورت حداکثر مدت مجاز استفاده از شیوه خدمت نیمه‌وقت، برای بانوان عضو پیمانی و رسمی، حداکثر «۵» سال در طول خدمت می‌باشد.

۱. بند «د» ماده (۲۸) آیین‌نامه استخدامی اعضای هیأت علمی: آقایان عضو فاقد همسر و بانوان عضو که دارای فرزند و یا همسر معلول ذهنی و جسمی می‌باشند، بر اساس میزان معلولیت مورد تأیید مراجع ذیصلاح (مؤسسه بهزیستی کل کشور) حداکثر تا سقف چهار ساعت از تقلیل ساعات کار روزانه بهره‌مند شوند.

این نقش‌ها نزد مخاطبان این سیاست زیر سؤال می‌رود. در این صورت تبلیغ ارزشمندی مادری برای عضو هیئت علمی در شرایطی که تصدی پست مدیریتی امتیازات بیشتری دارد، بی‌اثر است.

یکسان‌نگری بین افراد مجرد و متأهل

مسئله دیگری که برخلاف قوانین خانواده‌محور در این قوانین وجود دارد، یکسان‌نگری بین افراد مجرد و متأهل است. به عبارتی با وجود تفاوت در شرایط و نقش‌های متفاوت و متکثر افراد متأهل در محیط خانواده و اجتماع، ضوابط حضور اجتماعی آنان متفاوت طراحی نشده است و افراد متأهل به دلیل مسئولیت‌های مضاعف فشار بالاتری را متحمل می‌شوند. این در حالی است که عدالت اجتماعی در بستر پذیرش تفاوت موقعیت‌ها و نقش‌ها معنا پیدا می‌کند. نکته مهم‌تر اینکه قوانین قابلیت انتقال مفهوم و نهادینه کردن آن را در جامعه دارند. به گونه‌ای که یکسان‌نگری بین افراد مجرد و متأهل در نظام آموزشی و بالا بودن فشارهای وارد بر افراد متأهل، تأخیر در تشکیل خانواده و فرزندآوری را به همراه خواهد داشت. هر چند افراد مجرد نیز وظایف خانوادگی دارند اما این وظایف برای دانشجویان متأهل بیشتر است. مقررات آموزشی به جز در مورد مرخصی زایمان و انتقالی تحصیلی، بین دانشجویان متأهل و مجرد تفاوتی قائل نشده است. به طوری که در مورد تعداد غیبت‌های مجاز، طول مدت تحصیل و سنوات، شهریه دانشگاه، مقررات می‌توانند با اعمال تفاوت‌هایی در بین این دو گروه از دانشجویان، شرایط منعطف‌تری برای دانشجویان متأهل فراهم سازد.

ترویج این ارزش، آیین‌نامه‌ها و قوانین نیز باید آن را بازنمایی کنند اما در آیین‌نامه آموزشی و استخدام اعضای هیئت علمی، چندان بدان توجه نشده است به‌ویژه در آیین‌نامه استخدامی این موضوع، بسیار مشهود است. در همین راستا به یکی از موارد این آیین‌نامه پرداخته می‌شود. طبق مفاد استخدامی اعضای هیئت علمی، اعضای نیمه‌وقت از مزایای فوق‌العاده بهره‌مند نمی‌شوند و مرخصی آنان نصف اعضای تمام‌وقت است. علاوه بر این حق التدریس به این افراد تعلق نمی‌گیرد.^۱ این تبصره با توجه به اینکه عضو نیمه‌وقت حضور کمتری در مراکز آموزشی دارد، می‌تواند قابل قبول باشد اما اعضای رسمی که برای مأموریت از طرف مرکز در ستاد وزارت و برعکس هستند یا مأموریت در تصدی پست‌های سیاسی مانند ریاست جمهوری، وزیران، معاون وزیر دارند، شامل تبصره‌های ماده (۳) ضوابط نیمه‌حضوری نمی‌شوند که در ابتدای بند به آنان اشاره شد.^۲

این در حالی است که اعطای امتیاز به افرادی که در پست سیاسی مشغول به کار می‌شوند و عدم اعطای این امتیازات به بانوانی که اکثرًا در صورت مادر شدن از این شیوه استفاده می‌کنند، جای تأمل دارد. مادری و حتی پدری در ساحتی به‌جز بعد اقتصادی، در فرهنگ ایرانی و اسلامی ارزشمند است که در موارد آیین‌نامه چندان تجلی ندارد.

همچنین، باید توجه داشت که سیاست معطوف به توزیع آمرانه ارزش‌هاست. با نظر به این تعریف، در صورتی که سیاست‌ها یک‌سویه شرایط را برای ایفای نقش در جایگاه‌های مدیریتی و سیاسی فراهم کنند و توجهی به وظایف مادری و پدری نداشته باشند، ارزشمندی

۱. ماده (۴) دستورالعمل خدمت اعضا به شیوه نیمه‌حضوری: حقوق ماهانه عضو نیمه‌حضوری برابر حقوق عضو تمام‌وقت بدون احتساب فوق‌العاده ویژه است.

ماده (۵) دستورالعمل خدمت اعضا به شیوه نیمه‌حضوری: سابقه خدمت عضو نیمه‌حضوری در دوران خدمت نیمه‌حضوری، نصف سابقه خدمت تمام‌وقت محاسبه می‌شود.

ماده (۶) دستورالعمل خدمت اعضا به شیوه نیمه‌حضوری: میزان مرخصی سالانه عضو نیمه‌حضوری نصف عضو تمام‌وقت است.

۲. ماده (۷) دستورالعمل خدمت اعضا به شیوه نیمه‌حضوری: اعضای موضوع تبصره‌های «۲» و «۳» ماده (۷۵) و ماده (۷۹) آیین‌نامه استخدامی اعضای هیئت علمی در شمول این دستورالعمل قرار نمی‌گیرند.

ماده (۷۹): مأموریت اعضای رسمی مؤسسه جهت تصدی پست‌های مدیریت سیاسی از قبیل: رؤسای سه قوه، معاونان رئیس‌جمهور، اعضای شورای نگهبان، ریاست صدا و سیما، وزیران، معاونان وزیران، سفیران، استانداران، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و شهرداری تهران امکان‌پذیر می‌باشد.

تبصره «۲»: ارتقای مرتبه اعضای موضوع این ماده با رعایت کامل آیین‌نامه ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و فناوری صورت می‌گیرد. تبصره «۳»: ترفیع سالانه استحقاقی اعضای موضوع این ماده بدون نیاز به ارزیابی اعطا می‌شود.

۳. خدمات رفاهی



بعد دیگر نظام دانشگاه که بر شرایط خانوادگی دانشجویان تأثیر می‌گذارد، خدمات رفاهی است. نوع و کیفیت خدمات رفاهی که دانشگاه‌ها ارائه می‌دهند، می‌تواند به ایجاد تعادل بین نقش خانوادگی و تحصیلی دانشجویان کمک کند. در واقع این خدمات در کنار ایجاد مقررات آموزشی خانواده‌محور، شرایط تحصیل را برای دانشجویان متأهل تسهیل می‌کند. همان‌طور که در بخش قوانین آموزشی اشاره شد، مرخصی والد شدن یکی از شرایط قوانین خانواده‌محور است که به تنهایی و بدون داشتن مهد کودک در دانشگاه، چندان مؤثر نیست. به این ترتیب در کنار فراهم کردن یک نظام آموزشی مناسب، خدمات رفاهی نیز باید برای این دانشجویان ارائه شود تا شرایط تحصیل هم‌راستا با نقش‌های خانوادگی باشد. در نهاد دانشگاهی ایران، این خدمات رفاهی در سه مورد به قانون تبدیل شده و وجود دارد که عبارتند از:

۱. خوابگاه متأهلی،

۲. وام ودیعه مسکن و وام ضروری (ویژه فرزندآوری و ازدواج)،
۳. خدمات نگهداری کودک. علاوه بر این تسهیلاتی مانند سفر زیارتی از سوی نهاد رهبری در دانشگاه‌ها به دانشجویان متأهل تعلق می‌گیرد. همچنین طرحی ملی به نام «ایران جوان» بین بنیاد ۱۵ خرداد ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) و معاونت فرهنگی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها به امضا رسید. در فاز اول این طرح ملی، پنج هزار زوج دانشگاهی مشمول حمایت هستند. اعطای تسهیلات قرض الحسنه به مبلغ ۱۵۰ میلیون ریال به زوج‌های دانشگاهی با اولویت دارای فرزند سوم به بعد، اهدای کارت هدیه به مادر، افتتاح دفترچه حساب پس‌انداز بلندمدت به نام فرزند به مبلغ ۲۰ میلیون ریال و اهدای بسته «لبخند مادری» به زوج‌های دانشجویان متأهل مندرج در توافق‌نامه برای متولدان ۱۴۰۱ به بعد، از جمله مفاد این طرح هستند.^۱ همچنین قوانین مربوطه این خدمات رفاهی ویژه دانشجویان متأهل در جدول ذیل شرح داده شده است.

جدول ۲. قوانین خدمات رفاهی ویژه دانشجویان متأهل

خدمات رفاهی	قوانین
خوابگاه متأهلی	<p>بند «پ» ماده (۱۰۲) قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه: دولت مکلف است بخشی از اعتبارات عمرانی خود را در قالب بودجه سنواتی به تأمین خوابگاه‌های مناسب برای دانشجویان متأهل اختصاص دهد. اولویت استفاده از این خوابگاه‌ها با زوج دارای فرزند می‌باشد.</p> <p>ماده (۷) قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت: در اجرای بند «پ» ماده (۱۰۳) قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران کلیه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی دولتی مکلفند متناسب با برآورد نیاز دانشجویان متأهل اعم از بومی و غیربومی، زن و مرد، نسبت به هزینه‌کرد حداقل ده درصد (۱۰٪) از درآمد اختصاصی و ده درصد (۱۰٪) از اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای سالانه مقرر در بودجه سنواتی خود به استثنای مواردی که از لحاظ شرعی مصارف مشخصی دارند جهت احداث، تکمیل، تأمین و تجهیز خوابگاه‌های متأهلین اقدام کنند.</p> <p>تبصره «۹» قانون بودجه ۱۴۰۱: به دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزشی و پژوهشی و پارک‌های علم و فناوری اجازه داده می‌شود با تصویب هیئت امنای خود تا سقف عملکرد درآمد اختصاصی سال ۱۴۰۰ نسبت به اخذ تسهیلات از بانک‌ها از محل توثیق اموال در اختیار خود اقدام کنند و در جهت تکمیل طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای خود با اولویت ساخت، خرید و تکمیل خوابگاه‌های متأهلین به ویژه مناطق کمتر توسعه‌یافته موضوع بند «پ» ماده (۱۰۳) قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران استفاده و نسبت به بازپرداخت اقساط از محل درآمد اختصاصی خود اقدام کنند. دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و پژوهشی که در سال ۱۴۰۰ دارای ردیف مستقل بوده‌اند و دارای ردیف درآمدی اختصاصی و جاری یا تملک مستقل بوده‌اند، کماکان مستقل خواهند بود. صندوق‌های رفاه دانشجویان مکلفند نسبت به پیش‌بینی اعتبار لازم در فعالیتهای خود به منظور پرداخت یارانه سود و کارمزد تسهیلات با اولویت تسهیلات مربوط به احداث و تکمیل خوابگاه‌های متأهلین اقدام کنند. دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی و فناوری و پارک‌های علم و فناوری اعم از دولتی و غیردولتی نیز می‌توانند با رعایت مفاد این بند، از تسهیلات بانکی برای خرید تجهیزات صرفاً تخصصی و به‌رورسانی آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌های خود استفاده نمایند. اصل و سود تسهیلات بانکی دریافتی موضوع این بند، به‌عنوان بدهی دولت تلقی نمی‌گردد. ده درصد (۱۰٪) از درآمد اختصاصی و ده درصد (۱۰٪) از اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای سالانه مقرر در بودجه سنواتی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی جهت احداث و تکمیل و تجهیز خوابگاه‌های متأهلین به استثنای موارد دارای مصرف شرعی مشخص اختصاص می‌یابد.</p>

1. <https://dordaneh.nahad.ir/>

خدمات رفاهی	قوانین
خدمات نگهداری کودک	ماده (۲۲) قانون جوانی جمعیت: کلیه دستگاه‌های مذکور در ماده (۲۹) قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از جمله سازمان‌ها و شرکت‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است و کلیه شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به آنها موظفند ظرف شش ماه پس از ابلاغ این قانون به منظور تکمیل و حفظ حقوق مادر و کودک، با طراحی، احداث و تجهیز تمامی ساختمان‌ها و اماکن عمومی، خدماتی و آموزشی و رفاهی تحت اختیار یا نظارت خود، اقدام به تأمین فضای مناسب جهت رفع نیازهای نوزادان، کودکان و مادران باردار جهت استراحت، شیردهی و نگهداری کودکان نمایند.
وام ودیعه مسکن	ماده (۸) قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت: صندوق‌های رفاه دانشجویی و مراکز مدیریت حوزه‌های علمیه مکلفند پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون، برای دانشجویان و طلاب متأهل فاقد مسکن نسبت به پرداخت ودیعه مسکن (قرض الحسنه ضمن اجاره)، مشروط به ارائه اجاره‌نامه دارای شناسه رهگیری از مشاوران املاک به‌نحوی اقدام نمایند که هر ساله حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) متوسط قیمت ودیعه اجاره مسکن (۷۰ متری در شهرهای بیش از پانصد هزار نفر جمعیت و مسکن (۱۰۰ متری در سایر شهرهای محل تحصیل پوشش داده شود.

که برای این تعداد تنها هزار و پانصد خوابگاه متأهلی موجود است. به‌طور میانگین به ازای هر ۱۰۰۰ دانشجوی متأهل، تنها ۱۹ واحد خوابگاه متأهلی وجود دارد. علاوه بر این طبق آمار تنها ۵/۰ درصد از ظرفیت خوابگاهی و ۳ درصد از شمار خوابگاه‌های کشور به دانشجویان متأهل اختصاص داده شده است؛ در حالی که ۲۰ درصد دانشجویان کشور متأهل بوده‌اند؛ به بیان دیگر اکثر دانشگاه‌های کشور فاقد خوابگاه متأهلی هستند.^۱ همچنین طبق آمار مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی در سال ۱۳۹۶، ۱۴۱ دانشگاه دولتی (سراسری) در ایران وجود دارد که از این ۱۴۱ دانشگاه تنها ۲۳ دانشگاه خوابگاه متأهلی دارند. همچنین به گفته مسئولان مربوطه، بخشی از این خوابگاه‌ها به بازسازی نیاز دارند. کیفیت خوابگاه‌های متأهلی بسیار متفاوت است و در برخی از خوابگاه‌ها سرویس بهداشتی و آشپزخانه به‌صورت مشترک برای واحدها وجود دارد. همچنین تعداد اندک این واحدهای خوابگاهی و عدم کیفیت برخی از آنان، موجب شده که تنها بخش کوچکی از دانشجویان غیربومی متأهل بتوانند از این مزیت بهره‌مند شوند به طوری که طبق آمار دریافتی از نهاد رهبری در دانشگاه‌ها از میان ادواج دانشجویی سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۱ تنها ۵ درصد دانشجویان در خوابگاه متأهلی و ۳۷/۶ درصد در منزل شخصی زندگی می‌کردند.

همچنین با توجه به محدودیت واحدهای خوابگاه متأهلی، همه دانشجویان غیربومی متأهل نیز نمی‌توانند از این تسهیلات استفاده کنند؛ برای نمونه در دانشگاه تهران که یکی از بهترین دانشگاه‌های کشور در ارائه خوابگاه متأهلان است، امتیازاتی براساس شرایط دانشجویان قرار داده شده و دانشجویانی که امتیاز بیشتری داشته باشند شانس بیشتری برای دریافت خوابگاه متأهلی دارند. به طوری که دانشجویان مرد شاغل به

خدمات گفته شده در قوانین می‌توانند، به‌طور قابل ملاحظه‌ای شرایط دانشجویان متأهل را تسهیل کنند. به‌خصوص آنکه به دلیل هم‌زمانی تحصیل و زندگی متأهلی فرصت کمتری برای امکان رفع نیازهای مالی خانواده دارند. بنابراین در مواردی مانند تأمین مسکن با چالش‌های بیشتری روبه‌رو هستند. در این راستا وام دیعه مسکن و خوابگاه متأهلی می‌تواند، راه‌گشا باشد. همچنین ایجاد مهد کودک یکی از موارد بسیار مهمی است که شرایط حضور را برای والدین در دانشگاه مهیا می‌کند. با این وجود کیفیت و اجرای این خدمات می‌تواند چالش برانگیز شود به طوری که میزان تسهیلات اجرایی با توجه به شرایط اقتصادی، اهمیت بسیاری دارد. در همین زمینه در [قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت](#) نیز، حداقل مقدار وام ودیعه مسکن، عنوان شده است. این مسئله در دیگر خدمات مانند خوابگاه‌های متأهلی و مهد کودک نیز قابل طرح است. به‌صورتی که کیفیت خوابگاه‌های متأهلی و میزان دسترسی دانشجویان به این خوابگاه‌ها، مؤلفه‌های مهمی هستند که بر رفتار دانشجویان نسبت به ادواج تأثیر می‌گذارد. لذا مسئله مهم در اجرای این قوانین عدم بازبینی در اولویت‌های اقدام‌ها و برنامه‌های اجرایی دانشگاه‌هاست که با محوریت خانواده صورت نگرفته است.

وضعیت خدمات رفاهی دانشجویی ویژه متأهلان خوابگاه‌های متأهلی

براساس آمارهای صندوق رفاه دانشجویان وزارت علوم، [۲۸] حدوداً هزار و پانصد خوابگاه متأهلی وجود دارد در حالی که در نسبت با جمعیت دانشجویان متأهل این تعداد بسیار اندک است. به طوری که ذیل صندوق رفاه دانشجویان وزارت علوم حدوداً ۳۵۰ هزار دانشجوی متأهل وجود دارد

۱. آمار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به نقل از کاویان، پدرام (۱۴۰۱). بررسی وضعیت حمایت از دانشجویان متأهل در ایران. بنیاد سیاست‌پژوهی پیشرفت اجتماعی پدیدار.

طباطبایی و تهران و همچنین با رئیس صندوق رفاه دانشجویان نیز در این راستا مصاحبه‌ای انجام پذیرفت. علاوه بر این برخی از اظهار نظر رؤسای دانشگاه‌های دیگر نیز که در بستر رسانه‌ها در دسترس است، مورد بررسی قرار گرفت. بر این اساس، موارد و چالش‌های ذیل استخراج شد.

تکثر و تعدد اهداف و مقاصد سیاستی

با توجه به ظرفیت قابل توجه دانشگاه‌ها در امکان ایجاد تحول در تشکیل و استحکام خانواده، حجم انتظارات از این نهاد آموزشی نیز بالا بوده و یکی از مواردی که موجب می‌شود، اجرای سیاست‌ها در ایران با مشکل روبه‌رو شود، اهداف متکثر است. در واقع سیاستگذاران به دنبال آن هستند که همه آنچه که خوب و مفید می‌پندارند را با هم و به صورت موازی انجام دهند در حالی که اولین مانع چنین تکثری فقدان منابع و نیروی انسانی است. [۲۹]

در خصوص خدمات رفاهی ویژه دانشجویان متأهل این مسئله وجود دارد؛ به طوری که هم‌زمان افزایش وام ودیعه مسکن، الزام به ساخت خوابگاه متأهلی و ساخت مهد کودک و اتاق مادر و کودک نیازمند بودجه و انرژی زیادی است. در نتیجه زمانی که این برنامه‌ها به صورت هم‌زمان به دستگاه‌های اجرایی حکم شود، احتمال اجرای آن پایین می‌آید به ویژه آنکه ارائه خدمات رفاهی به بودجه نیازمند است. همچنین این تعدد باعث شده تا حتی، برخی از موارد خدمات رفاهی به دستگاه‌های مربوطه ابلاغ نشود برای مثال در بعضی دانشگاه‌ها، تکلیفی برای ایجاد مراکز نگهداری کودک ابلاغ نشده است. در همین زمینه باید اشاره داشت که هر چند قانون جوانی جمعیت از سوی رئیس‌جمهور به وزارت‌های مربوطه ابلاغ شده اما به نظر می‌رسد، آیین‌نامه مربوط به مهد کودک از سوی وزارت علوم به دانشگاه‌ها ابلاغ نشده است.

از این رو باید اشاره داشت که معمولاً آن کشورهایی در سیاستگذاری دولتی موفق بوده‌اند که بر یک یا چند حوزه مشخص تمرکز کرده‌اند. فلسفه وجود تأکید بر مزیت نسبی در برنامه‌ریزی همین امر است. تأکید بر مزیت نسبی در هر کشور می‌تواند امکان بهره‌برداری از فرصت‌های تاریخی را برای آن کشور فراهم سازد.^۲

به عبارتی می‌توان گفت برنامه‌ریزی جامع در شرایطی که منابع مالی و نیروی انسانی محدود است، خطای برنامه‌ریزی است و باید به صورت هسته‌ای و نقطه‌زن برنامه‌ریزی را پیگیری نمود. در واقع الگویی از قوانین برنامه توسعه که با انتخاب اولویت‌ها، نقطه زنی در تشخیص مسائل ۵ سال آینده کشور و تعریف پلکانی راه حل مسائل را مورد توجه قرار می‌دهد، باید در ساختارهای سازمانی که با تعدد مسائل روبرو هستند و جامعه مخاطب بسیاری دارند، مورد توجه قرار گیرد.

تحصیل در مقطع روزانه می‌تواند متقاضی خوابگاه باشند و به دانشجویان دختر متأهل در صورت شرایط خاص خوابگاه اختصاص داده می‌شود. مدت زمان استفاده از خوابگاه نیز بر اساس مقطع تحصیلی متغیر است به صورتی که برای دانشجویان کارشناسی حداکثر پنج نیم‌سال تحصیلی، ارشد ناپیوسته سه نیم‌سال، مقطع دکتری حرفه‌ای هفت نیم‌سال، دکتری ناپیوسته ۶ نیم‌سال و دکتری تخصصی پیوسته ۱۰ نیم‌سال است.^۱

وام‌های ویژه متأهلان

مبلغ وام‌های ویژه متأهلان یکی از مهم‌ترین مسائل خدمات رفاهی ویژه دانشجویان متأهل است. در واقع زمانی این وام می‌تواند تأثیر مثبت و مؤثری بر ازدواج دانشجویان گذارد که مقدار آن متناسب با سطح تورم باشد. یکی از مهم‌ترین وام‌های ویژه متأهلان، وام ودیعه مسکن است. اثرگذاری این وام نیز به مبلغ و تناسب آن با سطح قیمت مسکن در جامعه بستگی دارد. در همین راستا بر اساس اعلام صندوق رفاه وزارت علوم، مقدار وام ودیعه مسکن متأهلی سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱ تحصیلی، در شهر تهران ۳۵ میلیون، در کلان‌شهرها ۳۰ و در شهرهای دیگر ۲۵ میلیون تومان است. البته **قانون جوانی جمعیت**، مبلغ این وام را در شهرهای بیش از ۵۰۰ هزار نفر جمعیت حداقل ۵۰ درصد اجاره یک مسکن متوسط ۷۰ متری و در شهرهای بیش از ۵۰۰ هزار نفر جمعیت مسکن ۱۰۰ متری در سایر شهرهای محل تحصیل تعیین کرده است.^۲ اما با توجه به نرخ اجاره مسکن در بازار، این مقدار وام ودیعه مسکن دانشجویی فاصله بسیاری با ۵۰ درصد رهن یک خانه ۷۰ متری دارد.

خدمات نگهداری کودک

خدمات نگهداری کودک مانند مهد کودک در دانشگاه‌های ایران، وضعیت متفاوتی دارد به طوری که برخی از دانشگاه‌ها چنین مجموعه‌ای ندارند. بر اساس بررسی‌های انجام شده در دانشگاه‌های تهران، تنها دانشگاه شهید بهشتی و علامه طباطبایی خدمات مهد کودک ارائه می‌دهند که معمولاً برای فرزندان کارکنان و اعضای هیئت علمی دانشگاه است. دانشگاه تهران، امیرکبیر، صنعتی شریف و خوارزمی مهد کودک ندارند. در برخی از دانشگاه‌ها مانند دانشگاه علم و صنعت برای اعضای هیئت علمی و کارکنان کمک‌هزینه‌ای برای مهد کودک در نظر گرفته شده است. همچنین در بین دانشگاه‌های دارای مهد کودک نیز، سطح کیفیت خدمات‌دهی متفاوت است.

چالش‌های اجرای خدمات رفاهی دانشجویان متأهل

با توجه به وضعیت خدمات رفاهی برای یافتن به چالش‌های اجرایی که وجود دارد به گفتگو با معاونان دانشجویی دانشگاه‌های علامه

1 . <https://kooy.ut.ac.ir/fa/page/6132/>

2 . <https://www.swf.ir/fa/regulation/45/>

عدم اولویت‌بندی در ارائه خدمات رفاهی

در ادامه مسئله تکثر و تعدد اهداف و مقاصد سیاست‌ها، باید به این نکته اشاره داشت که برای ارائه هر یک از موارد خدماتی اولویت‌بندی وجود ندارد به طوری که مشخص نیست، چه دانشجویانی اولویت بیشتری برای دریافت وام ودیعه مسکن دارند. ماده (۲۲) قانون جوانی جمعیت، در این زمینه قیدی نگذاشته و همه دانشجویان را برای ارائه وام در نظر گرفته است اما باید بررسی کرد که با توجه به محدودیت منابع مالی، امکان ارائه وام ودیعه مسکن با مبلغی که قانون در نظر گرفته برای همه دانشجویان اعم از دولتی، شبانه و آزاد قابل اجراست یا خیر؟ **بنابراین بهتر است شاخص‌هایی برای اولویت‌بندی در یافت وام ودیعه مسکن گذاشته شود.**

در خصوص خوابگاه متاهلی نیز باید به این مسئله توجه داشت. در واقع آیا همه دانشگاه‌های کشور به خوابگاه متاهلی نیاز دارند؟ در این زمینه باید به تعداد دانشجویان هر دانشگاه توجه داشت که می‌توان میانگین دانشجویان متأهل ۱۰ سال اخیر را به عنوان شاخص در نظر گرفت. ساخت این خوابگاه‌ها هزینه زیادی را در بر دارد به خصوص آنکه در ایران، تعداد مؤسسه‌های آموزش عالی زیاد است. بنابراین در این زمینه جای خالی اولویت‌بندی دانشگاه‌ها برای ساخت خوابگاه متاهلی احساس می‌شود.

عدم توجه به زیست بوم منحصر به فرد هر دانشگاه

هر دانشگاه در کشور، به خصوص دانشگاه‌های مادر، زیست بوم‌های متفاوتی دارند. به طوری که مکانی که در آن استقرار دارند، نوع امکاناتی که در حال حاضر در اختیار آنان است، بودجه سالیانه و خدماتی که ارائه می‌دهند، در هر دانشگاهی متفاوت است. این مسئله باعث می‌شود علاوه بر اینکه نیاز بودجه‌ای که هر دانشگاه برای تأمین خدمات رفاهی ویژه متاهلان باید در نظر بگیرد، یکسان نباشد همچنین تقاضاهایی که برای این خدمات وجود دارد نیز متفاوت باشد.

در همین راستا باید اشاره داشت، در ماده (۷) **قانون جوانی جمعیت** دانشگاه‌ها مکلف شده‌اند که ۱۰ درصد بودجه خود را صرف احداث خوابگاه متاهلی کنند. این در حالی است که به گفته برخی رؤسای دانشگاه‌ها، ۱۰ درصد بودجه دانشگاه کفاف ساخت این خوابگاه‌ها را نمی‌دهد. در همین راستا معاون امور دانشجویی دانشگاه علامه طباطبایی می‌گوید: «حدود ۹۴ درصد بودجه دانشگاه صرف حقوق و دستمزد اعضای دانشگاه می‌شود. اگر بودجه دانشگاهی را ۱۰۰ میلیارد در نظر بگیریم ۹۴ میلیارد آن صرف حقوق و دستمزد خواهد شد. همچنین به طور معمول ۲۵ درصد برای تغذیه و سایر خدمات رفاهی و طبق قانون ۳ درصد برای حوزه فرهنگی می‌شود. علاوه بر این برای

۱. اظهارات بیان شده در مصاحبه با معاون امور دانشجویی دانشگاه علامه طباطبائی.

۲. روزنامه فرهیختگان

توسعه و ارتقای علمی و فنی خود نیز باید بودجه اختصاص دهند. با این مخارج دانشگاه باید ۳۰ درصد از آنچه دولت می‌دهد از درآمد اختصاصی روی بودجه بگذارد تا نیازهای اولیه خود را برطرف کند». در خصوص نداشتن قابلیت اجرای این بند رئیس دانشگاه امیر کبیر می‌گوید: «اما از قراردادها، تنها می‌توانیم ۱۰ درصد به عنوان بالاسری برداریم و مابقی مبلغ به اساتید، مواد اولیه و... اختصاص پیدا می‌کند؛ در چنین شرایطی چطور می‌توانیم برای خوابگاه متاهلی هزینه کنیم؟ تحقق این مسئله به معنی تعطیل کردن دیگر اموری است که هزینه‌های آن از محل اعتبارات درآمد اختصاصی دانشگاه انجام می‌شود و نمی‌توان انتظار داشت هزینه‌های مربوط به آزمایشگاه و زیرساخت‌های این حوزه را صرف ساخت خوابگاه متاهلی کنیم». همچنین رئیس دانشگاه صنعتی اصفهان به این مسئله اشاره کرده است: «اینکه عنوان شده ۱۰ درصد از درآمد اختصاصی دانشگاه‌ها باید به خوابگاه متاهلی تخصیص پیدا کند، برای دانشگاهی مانند ما که بدهی هم دارد، اصلاحی نیست. ما امروز ۹۰ میلیارد تومان بدهی داریم که البته در ابتدای حضورم در این مسئولیت، این میزان ۱۲۴ میلیارد تومان بوده اما امروز با حمایت‌های وزارت علوم این میزان کاهش یافته، با این حال به هیچ عنوان توان حمایت‌های مالی از ساخت و ساز را نداریم». علاوه بر این طی گفتگو با معاونت امور دانشجویی دانشگاه تهران نیز، وی به کسری ۳۰ درصدی بودجه دانشگاه و صرف شدن بیشتر بودجه برای حقوق و دستمزد اشاره داشت. رئیس دانشگاه تهران نیز به این مسئله اشاره می‌کند که ۹۵ درصد بودجه این دانشگاه صرف حقوق و هزینه‌های دانشگاه می‌شود.^۲ بنابراین عدم توجه قانون گذار به این مسئله موجب شده است این ماده قانونی قابلیت اجرا نیابد.

بنابراین عدم توجه سیاستگذار به این مسئله موجب می‌شود این ماده قانونی قابلیت اجرا نیابد و بر قوانین نوشته شده ناکارآمد افزوده شود. از سوی دیگر محل استقرار ساختمان‌های دانشگاه، بر هزینه‌های دانشگاه و همچنین مکان‌یابی که در احداث مهد کودک و خوابگاه متاهلی باید داشته باشند تأثیر می‌گذارد. همین مسئله موجب می‌شود بودجه و امکان تأسیس این مراکز برای هر دانشگاه متفاوت باشد. برای نمونه پراکنده‌گی دانشکده‌ها و خوابگاه دانشگاه تهران و علامه طباطبایی در سطح شهر تهران به هزینه و مدیریت بیشتری نسبت به دانشگاهی که ساختمان‌های آن متمرکز است، نیاز دارد.

اولویت نداشتن خدمات رفاهی ویژه متاهلان در دانشگاه‌ها

دانشگاه موظف به ارائه خدمات متعددی به دانشجویان است. با توجه به این مسئله و نبود سیاست‌ها و قوانین بالادستی برای ارائه خدمات رفاهی

خدمات رفاهی دانسته شد. هر چند بودجه اهمیت زیادی در اجرای خدمات رفاهی دارد، اما باید توجه داشت که عوامل متعدد دیگر، باعث تشدید مشکل در این بخش می‌شوند. برای مثال همان‌طور که گفته شد، تعدد مقاصد سیاستی و عدم اولویت‌بندی در ارائه خدمات از چالش‌های مهمی هستند که موجب، کسری بودجه می‌شوند.

همچنین باید به این نکته توجه شود که در خدمات رفاهی دانشجویی، تناسب بودجه‌بندی برای صندوق رفاه وزارت علوم و وزارت بهداشت رعایت نشده است. با وجود آنکه وزارت علوم حدود ۹۰ درصد از دانشجویان کشور را ذیل خود دارد بودجه کمتری از وزارت بهداشت دریافت می‌کند که حدود ۱۰ درصد دانشجویان کشور را شامل می‌شود. به طوری که طبق قانون بودجه سال ۱۴۰۲ اعتبارات صندوق رفاه دانشجویان علوم پزشکی حدود ۸۰۰ میلیارد تومان است که سهم هر دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی از این اعتبارات حدود ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است.

در حالی که میزان اعتبارات صندوق رفاه دانشجویان وزارت علوم که به هر دو بخش دولتی و غیردولتی خدمات ارائه می‌دهد نزدیک به ۱۲۰۰ میلیارد تومان است که سرانه هر دانشجوی این اعتبارات ۳۸۰ هزار تومان می‌شود. اگر این اعتبارات تنها برای دانشجویان دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم محاسبه شود، سرانه هر دانشجو حدود ۸۰۰ هزار تومان است. [۳۰]

بنابراین باید گفت هر چند بودجه عامل مهمی در اجرای خدمات رفاهی است اما نوع سیاستگذاری که در این راستا انجام می‌پذیرد، می‌تواند این چالش را تشدید یا حل کند به طوری که با تعیین اولویت و تناسب در بودجه‌دهی می‌توان در راستای عملیاتی شدن طرح‌های خدماتی گام برداشت و تنها راه چاره افزایش بودجه نیست. بنابراین باید گفت حتی اگر بدون گام‌های دقیق و حساب شده اجرایی صرفاً به افزایش بودجه اقدام شود، امکان بروز چالش‌های اجرا کماکان وجود دارد.

ویژه دانشجویان متأهل، در سال‌های گذشته اولویت ارائه این خدمات در دانشگاه کم‌رنگ شده است.

همچنین این مشکل زمانی تشدید می‌شود که دانشجویان متأهل چنین درخواستی نداشته باشند. به طوری که دانشگاه و مسئولان نیز این نیاز را احساس نکنند تا خدمات رفاهی را در دستور کار قرار دهند. این فشار در بخش تغذیه دانشجویان و ارائه خوابگاه‌های مجردی مشهود است. بخشی از این مسئله به تعداد بیشتر دانشجویان مجرد باز می‌گردد و برطرف کردن نیازهای آنان، گروه مخاطب بیشتری را راضی نگه می‌دارد.

چالش فرایندهای مالی در دانشگاه‌ها

برخی از مشکلات ساختاری، موانعی در برابر بخش معاونت دانشجویی ایجاد می‌کند که در واقع متولی ارائه خدمات رفاهی برای دانشجویان است. ساختار اختصاص بودجه در دانشگاه‌ها به این صورت است که بودجه هر بخش سالیانه مشخص شده و به معاونت مالی داده می‌شود. در این ساختار معاونان دانشگاه برای بخش خود باید درخواست بودجه از معاونت امور مالی داشته باشند. مهم‌ترین مشکل این مسئله به وجود آمدن روندهای اداری و معمولاً زمان‌گیر برای دریافت بودجه است.

از سوی دیگر این چالش نیز وجود دارد که در هر زمانی بخشی از نیازهای کلان دانشگاه در اولویت قرار می‌گیرد و موارد مربوط به خوابگاه متأهلی که ذیل معاونت دانشجویی است در اولویت نباشد و به تبع بودجه‌ای برای آن اختصاص داده نمی‌شود. همچنین اگر این معاونت به دلیل بخش‌های مشاوره و تربیت بدنی خود درآمدی کسب کند باید پول آن به بخش مالی انتقال دهد. هر چند این سیستم به لحاظ شفافیت می‌تواند مناسب باشد؛ اما به جهت ایجاد موانع دریافت بودجه باید اصلاحاتی صورت گیرد.

ضعف برنامه‌ریزی بودجه‌ای

در اظهارات بسیاری از مسئولان اجرایی بودجه مهم‌ترین چالش اجرایی

۴. جمع‌بندی و پیشنهاد سیاستی

می‌گذارد به طوری که موجب می‌شود ایفای نقش خانوادگی در تعارض با نقش دانشجویی قرار گیرد. این امر به خصوص در تعارض بین زمان و انرژی دانشجوی برای انجام وظایف این دو نقش به وجود می‌آید. همچنین درازمدت با توجه به چالش‌های آموزشی محتمل و تعارض‌های نقشی، تصمیم به تشکیل خانواده را در بین دانشجویان به تأخیر می‌اندازد.

در بخش دوم که مربوط به چالش اجرای خدمات رفاهی ویژه دانشجویان متأهل است نیز باید به برخی اشکال‌های اجرایی اشاره داشت. مسئله مهم این است که هر چند سیاستگذار به این مهم توجه داشته و قوانینی را

با توجه به بررسی‌های پژوهش حاضر می‌توان گفت؛ قوانین آموزشی دانشگاه خانواده‌محور نیستند به طوری که مهم‌ترین شاخص‌های قوانین خانواده‌محور مانند انعطاف‌پذیری، توجه به هر دو والد در این قوانین وجود ندارد. در حالی که در این قوانین شاخص‌های نامطلوبی همچون یکسان‌نگاری بین افراد مجرد و متأهل، وجود رویکرد سلیقه‌ای و تعارض ارزش‌ها (نادیده گرفتن ارزش‌های خانوادگی) به چشم می‌خورد.

نبود رویکرد خانواده‌محور در قوانین آموزشی که بخش مهمی از ساختار آموزش عالی را شکل می‌دهد، تأثیرات منفی بر رفتار خانوادگی دانشجویان

۱. نصیری، حسین، یوسفی، هادی، زراعت کیش، یوسف (۱۴۰۱). بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ کل کشور؛ حوزه آموزش عالی، تحقیقات و فناوری. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

مربوط به ثبت نمره بر عهده مؤسسه آموزشی گذاشته شده است. در همین راستا می‌توان در جهت اعمال پیشنهاد مذکور به اصلاح این مواد پرداخت. ۵. گسترش ارائه واحدهای تابستانی در راستای منعطف کردن زمان دانشجویان و کاهش فشار درسی در ترم‌های اصلی به طوری که دانشجویان متأهل به جای آنکه در بازه زمانی چهار ماه ترم اصلی با حجم زیادی از دروس روبه‌رو شوند، بتوانند در ترم‌های تابستانی بخشی از این دروس را بگذرانند تا از حجم فشار درسی در ترم‌های اصلی کاسته شود. این مسئله به خصوص برای مقاطع تکمیلی ارشد و دکتری که باید مقاله و پروژه درسی ارائه دهند، اولویت بیشتری دارد.

۶. همان‌طور که اعضای هیئت علمی به دلیل مأموریت و تصدی پست‌های سیاسی شیوه نیمه‌حضوری را برگزیده ولی از مزایای مرخصی سالیانه تمام‌وقت و احتساب سابقه خدمت عضو تمام‌وقت بهره‌مند می‌شوند، می‌توان این امتیازات را برای بانوانی که مادر می‌شوند هم قائل شد. به همین جهت می‌توان در ماده (۷) پیوست شماره یک دستورالعمل خدمت اعضا به شیوه نیمه‌حضوری موضوع ماده «۱۸» آیین‌نامه استخدامی اعضای هیئت علمی این بانوان را مورد توجه قرار داد.

۷. در خصوص خدمات رفاهی، ساخت خوابگاه متأهلی می‌تواند در زمره اهداف بلندمدت تلقی شود اما تخصیص وام ودیعه مسکن در یک بازه کوتاه‌مدت، امکان عملیاتی شدن دارد. از این‌رو در راستای تعیین اولویت در ارائه خدمات رفاهی می‌توان به تخصیص بودجه بیشتر برای افزایش وام ودیعه مسکن اقدام کرد. در ارائه این وام می‌توان به اولویت‌بندی دانشجویان برای تخصیص وام پرداخت به طوری که دانشجویان روزانه دانشگاه‌های دولتی در اولویت پرداخت وام بامبلغ مصوب در قانون جوانی جمعیت باشند. ۸. کلیه خدمات رفاهی از جمله خوابگاه متأهلی و وام ودیعه مسکن ذیل صندوق رفاه دانشجویان قرار گیرد و تحت یک مدیریت مرکزی باشد تا با توجه به نیاز متفاوت دانشگاه‌ها ارائه شود.

۹. تخفیف در شهریه یک ترم دانشگاه برای دانشجویانی که ازدواج می‌کنند و یا بچه‌دار می‌شوند.

۱۰. کاهش طول دوره آموزش کارشناسی در راستای کاهش سن ورود به اشتغال جوانان

۱۱. امکان افزایش سنوات برای دانشجویان متأهل و دارای فرزند که در مدت زمان معلوم موفق به تکمیل دوره تحصیلی خود نشده‌اند.

در این راستا تصویب کرده، اما برخی اشکال‌ها در حیطه اجرای سیاست موجب شده تا قوانین به منصفه ظهور نرسند. اهم این چالش‌ها عبارتند از: تکثر و تعدد اهداف و مقاصد، عدم اولویت‌بندی در ارائه خدمات رفاهی، عدم توجه به زیست‌بوم منحصر به فرد دانشگاه، نداشتن اولویت خدمات رفاهی ویژه متأهلان در دانشگاه، چالش فرایندهای مالی در دانشگاه‌ها.

پیشنهاد‌های سیاستی

در نهایت با توجه به موارد مطرح شده در دو بخش مهم دانشجویی به پیشنهاد‌های سیاستی ذیل می‌توان اشاره داشت:

۱. راه‌اندازی دفتر مرکزی حمایت از خانواده با تأیید وزارتین بهداشت، درمان و آموزش و پزشکی و علوم، تحقیقات و فناوری و با هدف تحقق بند «۲» سیاست‌های کلی خانواده و محوریت یابی خانواده در آیین‌نامه‌ها و مقررات آموزش عالی، بازنگری در آیین‌نامه‌های مصوب گذشته. لازم به ذکر است راه‌اندازی شعب این دفتر در کلیه دانشگاه‌ها الزامی خواهد بود و قرارگاه اجرایی سازی قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت ذیل این دفتر قرار می‌گیرد.

۲. در نظر گرفتن مرخصی والد شدن برای دانشجویان پسر و اعضای هیئت علمی که پدر می‌شوند. در همین راستا پیشنهاد می‌شود، ماده (۱۸) و (۲۰) آیین‌نامه آموزشی دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد که به موارد مرخصی تحصیلی پرداخته است، مرخصی والد شدن را برای پسران که پدر می‌شوند به مدت یک ترم بدون احتساب در سنوات قرار دهد. همچنین می‌توان به جای در نظر گرفتن یک ترم مرخصی، برای این افراد حداقل واحد درسی را کاهش داد. به طوری که ماده (۷) آیین‌نامه کارشناسی و ماده (۱۰) آیین‌نامه کارشناسی ارشد که به حداقل تعداد واحد درسی اشاره داشته، این دانشجویان به مدت یک ترم مجاز باشند کمتر از حد اعلامی این مواد، واحد درسی اخذ کنند.

۳. گسترش شیوه‌های مختلف آموزشی مانند آموزش مجازی و فراهم کردن زیرساخت‌های آن به خصوص در دروس عمومی و تئوری برای دانشجویانی (پسر و دختر) که دارای فرزند هستند.

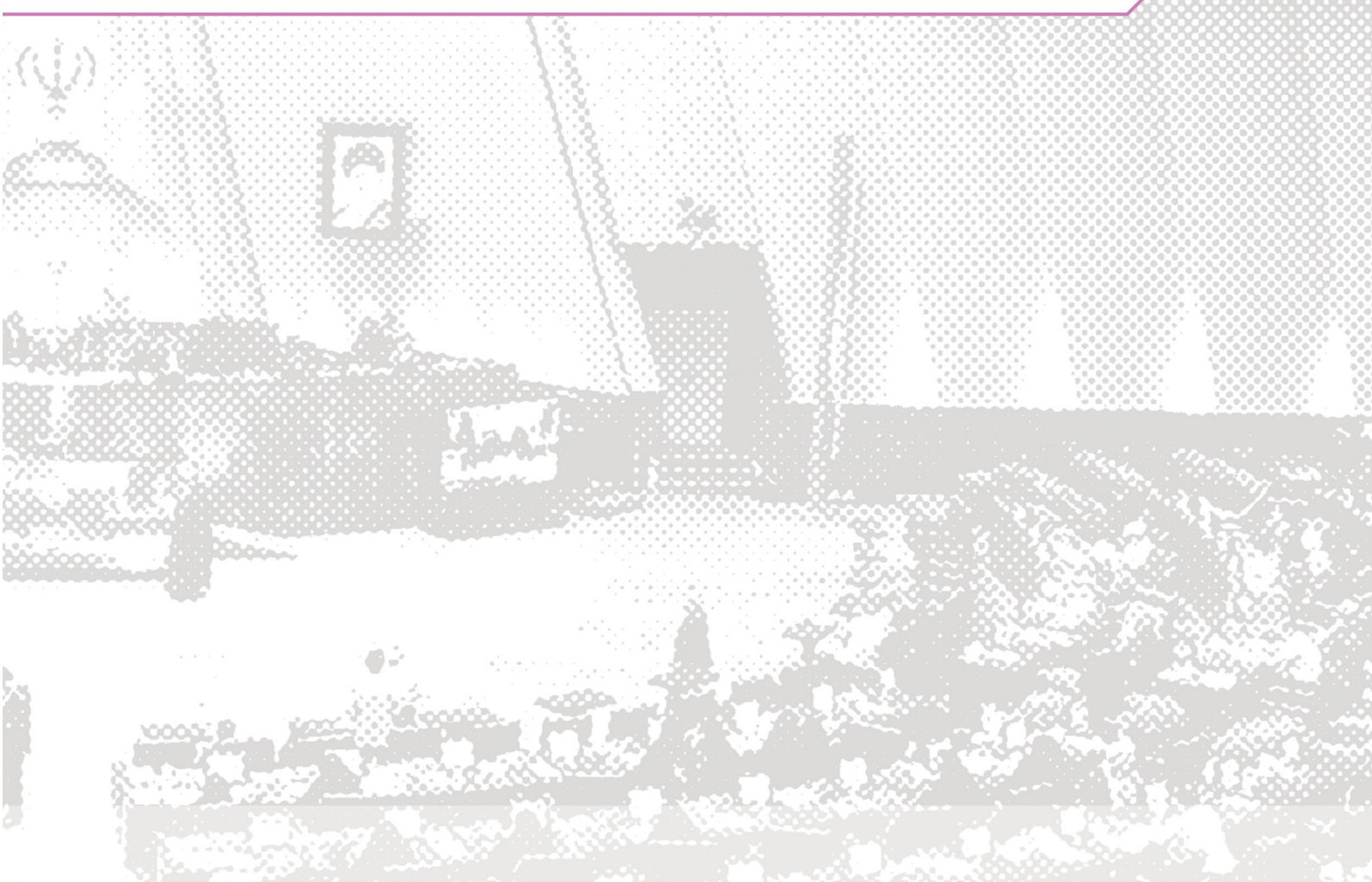
۴. انعطاف‌پذیرتر کردن بازه زمانی ثبت نمرات پایان ترم در مقاطع تکمیلی که دانشجویان ملزم به ارائه پروژه و تحقیق هستند. در ماده‌های (۱۲) و (۲۳) آیین‌نامه دوره کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی، ضوابط

منابع و مآخذ



۱. "سالنامه آمار جمعیتی ایران"، مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹.
۲. ح. عبدی، س.ا. میرشاه جعفری، م. نیلی و س. رجایی پور، "تبیین برنامه درسی آینده در راستای تحقق چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی در افق ۱۴۰۴"، مطالعات برنامه درسی و آموزش عالی، ۱۳۹۶.
۳. هزار جریبی، جعفر، آستین افشان، پروانه، "بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی مؤثر بر میانگین سن ازدواج زنان در سه دهه گذشته «۵۵-۸۵»"، برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۳۸۸.
۴. حسینی، حاتم و همکاران، "عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج دختران در شهرستان‌های ایران"، توسعه محلی، ۱۳۹۸.
۵. ا. فتحی، ن. جاویده و م. نصیری پور، "روند باروری در ایران از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰"، مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱.
۶. "موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی"، [آدرن خطی]. Available: <https://irphe.ac.ir/7>.
۷. مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران، سبک زندگی دانشجویان (بر اساس الگوی آرمانی فارغ التحصیل شایسته نظام آموزش عالی ایران)، تهران: مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران، ۱۳۹۵.
۸. "گزارش نیروی کار"، مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹.
۹. "سالنامه آمارهای جمعیتی"، دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرتی سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۹۹.
۱۰. ع. دادگری، "تبیین نقش تحصیلات عالی در فرایند ازدواج"، بنیاد سیاست پژوهی پیشرفت اجتماعی پدیدار، تهران، ۱۴۰۲.
۱۱. "گزارش نهاد رهبری در خصوص آمار و داده‌های ازدواج دانشجویی سال‌های ۱۳۷۶ الی ۱۴۰۱ در پاسخ به شماره نامه ۱۱۰۰/۱۱۷۱۴-۸۲"، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران، ۱۴۰۱.
۱۲. ح. ب. ب. رازقی نصرآبادی، م. حسینی چاوشی و م. عباسی شسوازی، "عوامل مؤثر بر فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند در شهر تهران با استفاده از مدل‌های سابقه رخداد وقایع"، مطالعات جمعیتی، ۱۳۹۸.
۱۳. م. سعادت، آ. باقری و ح. ب. ب. رازقی نصرآبادی، "زمان وقوع تولد اولین فرزند و تعیین‌کننده‌های آن در استان سمنان با استفاده از مدل پارامتری بقا"، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۳۹۴.
۱۴. ف. خلیج آبادی فراهانی و ح. سرایی، "قصد تک‌فرزندی و تعیین‌کننده‌های آن در زنان و مردان در شرف ازدواج در تهران"، مطالعات جمعیتی، ۱۳۹۲.
۱۵. ا. بلالی، س. ف. محبی، ف. حسینی و ش. س. حسینی، "واکاوی کیفی چالش‌های ایفای هم‌زمان نقش‌های دانشجویی و خانوادگی"، مطالعات راهبردی زنان، ۱۳۹۶.
۱۶. "آیین‌نامه آموزشی دوره‌های کاردانی، کارشناسی پیوسته و ناپیوسته مصوب شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی"، ۱۳۹۳.
۱۷. "آیین‌نامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی"، ۱۳۹۴.
۱۸. "و آیین‌نامه آموزشی دوره دکترای تخصصی شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی"، ۱۳۹۴.
۱۹. "آیین‌نامه استخدامی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، پژوهشی و فناوری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری"، ۱۳۹۰.
۲۰. "سیاست‌های کلی خانواده ابلاغی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی"، ۱۳۹۵.
۲۱. "سیاست‌های کلی جمعیت ابلاغی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی"، ۱۳۹۳.
22. S. Bacharach, P.A. Bamberger و Conly, "Work-home Conflict Among Nurses and Engineers: Mediating the Impact of Role Stress on Burnout and Satisfaction at Work".
23. A. Matysiak و D. Węziak-Białowolska, "Country-Specific Conditions for Work and Family Reconciliation: An Attempt at Quantification," European Journal of Population, 2016.
24. J. Žnidaršič و M. Bernik, "Impact of work-family balance results on employee work engagement within the organization: The case of Slovenia," Polos One, 2021.
۲۵. رستگار خالد، ن. مصلحی جنابیان و ن. آذرنگ، "بررسی میزان تعارض نقش‌های کاری و خانوادگی در بین زنان (پلیس و معلم) و عوامل مؤثر بر آن"، برنامه‌ریزی توسعه و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۴.
۲۶. خ. سفیری و ز. زارع، "احساس ناسازگاری میان نقش‌های اجتماعی و خانوادگی در زنان. نشریه مطالعات اجتماعی-روانشناختی زنان"، مطالعات زنان، ۱۳۸۵.
۲۷. س. ع. افشانی و ل. هاتفی راد، "بررسی عوامل مرتبط با تعارض نقش‌های شغلی-خانوادگی زنان با تأکید بر متغیرهای شغلی و سازمانی"، جامعه‌شناسی کاربردی، ۱۳۹۶.
۲۸. س. گروسی و ر. آدینه زاده، "بررسی رابطه عوامل اجتماعی با تعارض نقش‌های شغلی و خانوادگی در بین زنان شاغل شهر کرمان"، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد، ۱۳۸۹.

۲۹. پ. کاویان، «بررسی وضعیت حمایت از دانشجویان متاهل در ایران»، بنیاد سیاست پژوهی پیشرفت اجتماعی پدیدار، تهران، ۱۴۰۱.
۳۰. ک. اشتریان، اجرا پژوهی؛ چالش‌های اجرای سیاستگذاری عمومی در ایران. ایران. تهران، تهران: نشر سیاستگذار، ۱۳۹۶.
۳۱. ح. نصیری، ه. یوسفی و ی. زراعت کیش، «بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ کل کشور؛ حوزه آموزش عالی، تحقیقات و فناوری»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران، تهران، ۱۴۰۱.
۳۲. ح. عبدی، س. میرشاه جعفری، م. نیلی و س. رجایی پور، «تبیین برنامه درسی آینده در راستای تحقق چشماندازها و رسالت‌های آموزش عالی در افق ایران ۱۴۰۴»، مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، ۱۳۹۶.
۳۳. ا. د. ا. ایسپا، سبک زندگی دانشجویان؛ براساس الگوی آرمانی فارغ التحصیل شایسته نظام آموزش عالی ایران، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۴.
34. S. B. Bacharach, P. Bamberger و S. Conley, "Work-home conflict among nurses and engineers: Mediating the impact of role stress on burnout and satisfaction at work," *Organization Behavior*, 1991.
35. A. Matysiak و D. Weziak Bialowolska, "Country-Specific Conditions for Work and Family," *European Journal of Population*, 2016.
36. j. znidersic و M. Bernika, "Impact of work-family balance results on employee work engagement within the organization: The case of solvenia," *PLOS ONE*, 2021.
۳۷. ک. اشتریان، س. کشور دوست، ع. ا. اسدی کشه و م. پناهی، اجرا پژوهی؛ چالش‌های اجرای سیاستگذاری عمومی در ایران، تهران: سیاستگذار، ۱۳۹۶.
38. R. JOAN, "FLEXIBLE LEARNING AS A NEW LEARNING DESIGN IN CLASSROOM PROCESS TO PROMOTE QUALITY EDUCATION," *Journal on School Educational Technology*, 2013.
39. M. Kokoç, "Flexibility in e-Learning: Modelling its Relation to Behavioural Engagement and Academic Performance," *Themes in eLearning*, 2019.
- ۱.۴۰. رستگار خالد، ن. مصلحی جنابیان و ن. آذرنگ، «بررسی میزان تعارض نقش‌های کاری و خانوادگی در بین زنان (پلیس و معلم) و عوامل مؤثر بر آن»، برنامه‌ریزی توسعه و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۴.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ (۴ خط) صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir